

فصل اول :
نقش و جایگاه منابع
سرمایه داری در رشد و
توسعه اقتصادی

مقدمه :

یکی از تحولاتی که از ابتدای شکل‌گیری علم اقتصاد مورد توجه اقتصاددانان بوده مسئله رشد و توسعه اقتصادی است. رشد و توسعه اقتصادی از جمله اهداف اصلی در سیاستگذاری و تصمیم‌گیری اقتصادی است شاید به همین جهت به یکی از مهمترین موضوعاتی بدل شده که ذهن اقتصاددانان را به خود معطوف داشته. باید توسعه را جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، نهادهای ملی، طرز تلقی مردم، کاهش نابرابری، ریشه کن کردن فقر مطلق و نیز تسریع رشد اقتصادی است.

در دنیای پیچیده و پر تلاطم کنونی، بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، برای قرار گرفتن در مسیر توسعه و افزایش رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری در بخشهای مختلف اقتصادی را در اولویت قرار داده‌اند. در حالی که تشکیل سرمایه به عنوان یکی از متغیرهای حیاتی رشد اقتصادی محسوب می‌شود. این کشورها از نظر مالی فقیرند اما دارای فرهنگ، شرایط اقتصادی، اجتماعی و ساخت سیاسی متفاوتی هستند و با مسائلی مواجهند از جمله بازارهای محدود، کمبود مهارتها، قدرت ضعیف چانه زنی امید کم به خوداتکایی مهم اقتصادی، مخصوصاً کمیابی منابع مالی. اینگونه از کشورها در یک رشته از هدفهای مشترک سهیم‌اند این هدفها شامل : کاهش فقر و نابرابری و بیکاری، تأمین حداقل سطح آموزش و بهداشت. مسکن و غذا برای افراد متبوع کشور و نیز گسترش امکانات اقتصادی، اجتماعی و ایجاد همبستگی ملی می‌شود.

کشورهای در حال توسعه برای رسیدن به اهداف فوق و قرار گرفتن در مسیر توسعه و رشد اقتصادی تا حدودی نیازمند تشکیل سرمایه هستند. تشکیل و تمرکز سرمایه از منابع داخلی می‌تواند موجب خودکفایی در تولید کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای شده و تشکیل سرمایه عامل مهم و بنیادی در تحقق توسعه است. نیروهای مولد جامعه را از طریق تولید کالاهای سرمایه‌ای افزایش می‌دهند تا از این طریق بتوانند به تولید کالاهای مصرفی و ضروری مبادرت ورزند. از طرف دیگر عدم تشکیل سرمایه کافی می‌تواند منجر به کاهش بهره‌وری گردد که آن نیز منجر به کاهش سطح درآمدها و رشد اقتصادی که انعکاسی از قدرت تولید پایین است، خواهد شد. کاهش سرمایه‌گذاری به معنای پایین بودن بهره‌وری و ضعف قدرت خرید مردم و در نتیجه پایین بودن مستمر درآمدهاست.

بنابراین برای افزایش سطح بهره‌وری باید پس اندازهای داخلی و ... برای ایجاد سرمایه‌گذاری جدید در کالاهای سرمایه‌ای مادی تجهیز شود و نیز از طریق سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و تربیت نیروی فنی به تشکیل سرمایه انسانی اقدام شود. تجربه موجود در پیشرفت اقتصادی جهان نشان می‌دهد که همراه با رشد اقتصادی سیر فزاینده انباشت سرمایه نیز وجود داشته است. از آنجا که سرمایه‌گذاری شرطی حیاتی برای به جریان انداختن وجوه در دسترس و کسب سود و منفعت بیشتر برای صاحب سرمایه و ایجاد اشتغال، رفاه و ... برای جامعه است. متولد سرمایه و چگونگی تجهیز منابع برای رسیدن به این سرمایه به عنوان یکی از مهمترین مباحث اقتصادی مطرح می‌شود.

سرمایه و سرمایه گذاری :

سرمایه یعنی وجوه قابل سرمایه گذاری و حاصله از پس انداز که به صورت ماشین آلات، ساختمان، ابزار مهارتها و یا وجوه نقد به جریان کار انداخته می شود. مفهوم تشکیل سرمایه این است که جامعه کلید فعالیتهای مولد خود را به خدمت نیازمندیها و مصارف فوری نمی گذارد بلکه قسمتی از آن را صرف تولید کالاهای سرمایه ای مانند ماشین آلات، کارگاهها، تجهیزات و تمامی اشکال سرمایه می کند که قادر است تأثیر نیازهای مولد جامعه را به میزان زیادی افزایش دهد. بدین ترتیب می توان سرمایه را به پنج گروه طبقه بندی کرد :

۱- از طریق سرمایه گذاری خارجی (وامهای خارجی)

۲- از محل وجوه حاصل از فروش منابع طبیعی کشور

۳- از طریق پس انداز اجباری نظیر مالیاتها

۴- از طریق پس انداز اختیاری توسط بانکها و بورس اوراق بهادار

۵- از طریق شرکت های بیمه

که در مورد گروه چهارم و پنجم می توان گفت که بهترین طریق منبع عرضه سرمایه اند. بدین ترتیب سرمایه گذاری را می توان تشکیل سرمایه یا به عبارتی نتیجه ای از تحصیل، تشکیل یا ایجاد منابع برای استفاده در فرایند تولید تعریف نمود. در واقع هدف از سرمایه گذاری انتقال قدرت خرید فعلی به قدرت خرید بیشتر در آینده است. نقش سرمایه در رشد و توسعه :

تولید تابعی از عوامل گوناگون است که سرمایه یکی از آنها به شمار می‌رود البته هر چند عواملی مثل نیروی کار، منابع طبیعی، تکنولوژی و مدیریت نیز دارای نقشهای خاص خود می‌باشند. ولی همیشه اهمیت تجهیز سرمایه به گونه‌ای بوده که عوامل دیگر را تحت تاثیر خود قرار داده است. این مهم به ویژه در کشورهای در حال توسعه از درجه اهمیت بالاتری برخوردار است. شکل‌گیری و تشکیل سرمایه با هزینه اقتصادی ولی با نرخ بازگشت توأم خواهد بود سرمایه‌گذاری وقتی امکان‌پذیر است که تخصیص منابع منجر به افزایش ذخایر سرمایه‌ای، چه مادی، چه انسانی شود. تشکیل سرمایه جریانی است مستمر. همراه با اثرپذیری و اثر گذاری متقابل یعنی تشکیل سرمایه و به کارگیری آن درآمد را افزایش می‌بخشد و افزایش درآمد به نوبه خود تشکیل سرمایه را بیشتر تسهیل می‌کند. تراکم سرمایه در صورتی بدست می‌آید که مقداری از درآمدهای امروز پس‌انداز و تبدیل به سرمایه شود تا از آن طریق بتوان درآمد و تولید بیشتری در آینده بدست آورد. در مراحل اولیه رشد و توسعه به دلیل فقر شدید امر تشکیل پس‌انداز و یا سرمایه لازم و ضروری است. زیرا از یک طرف منابع مالی به مقدار کافی در دسترس نیست و از سوی دیگر تجهیز این وجوه محدود به سمت بخش تولیدی، صنعتی به دلیل فقدان بازارهای مالی برای تسهیل این امر به راحتی انجام‌پذیر نیست به طوریکه در اکثر کشورهای پیشرفته صنعتی توسعه بخش مالی به دنبال آن بازار سرمایه موجباتی را فراهم ساخته تا بخشی قابل توجهی از منابع مالی مورد نیاز بنگاههای تولیدی و اقتصادی از طریق سازکار اوراق بهادار تأمین شود.

در اقتصاد ایران هم به عنوان یک کشور در حال توسعه تشکیل سرمایه مهمترین عامل رشد و توسعه اقتصادی است. می توان گفت یکی از منابع مهم سرمایه همان سپرده های افراد نزد بانکهاست که به عنوان نماینده پس انداز جامعه محسوب می شود. همانطور که بیان شد در کشورهای در حال توسعه تمرکز سرمایه شکل نگرفت در حالیکه در کشورهای توسعه یافته انباشت سرمایه شکل می گیرد در نتیجه منجر به سرمایه گذاری در زمینه های مختلف خواهد شد. بنابراین باعث افزایش تولید و افزایش درآمد می شود. این افزایش درآمد مقداری پس انداز و تبدیل به سرمایه گذاری مجدد خواهد شد که به صورت یک چرخه ادامه پیدا می کند و سبب رشد و شکوفایی اقتصادی می گردد.

در واقع سرمایه گذاری و تشکیل سرمایه نیاز اولیه هر فعالیت اقتصادی است و بدون وجود حداقل سرمایه یک بنگاه اقتصادی رسمیت نمی یابد اما آنچه که سرمایه گذاری را به عنوان یک متغیر اصلی برای تولید و رشد اقتصادی مطرح کرده تنها نیاز ابتدایی به سرمایه برای شروع و ادامه فعالیت نیست بلکه نقشی است که کارایی سرمایه ایفا می نماید. به دنبال سطح بالای کارایی سرمایه، افزایش بهره وری در نتیجه درآمد واقعی بالا را خواهیم داشت. این درآمد واقعی بالا، افزایش تقاضای کل در طرف تقاضای اقتصاد و افزایش پس انداز در طرف عرضه را به دست می دهد که هر دوی اینها افزایش مجدد سرمایه گذاری را در اقتصاد به دنبال خواهد داشت.

مروری بر ادبیات تئوریک پیرامون نقش سرمایه در رشد اقتصادی :

انباشت سرمایه نقش به سزایی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها دارد چرا که سرمایه یکی از عوامل مهم تولید بوده است. در کشورهای توسعه یافته انباشت سرمایه و تمرکز سرمایه شکل گرفته اما در کشورهای در حال توسعه به دلیل عدم تمرکز سرمایه رشد و توسعه حاصل نشده است. به منظور درک بهتر اهمیت تشکیل سرمایه در رشد اقتصادی به نظرات برخی از اقتصاد دانان اشاره خواهیم کرد. در تئوری توسعه اقتصاد دانان کلاسیک سرمایه یک نقش مرکزی را بازی می کرد و انباشت سرمایه تعیین کننده اساسی رشد و پیشرفت اقتصادی بود. بحث سرمایه گذاری نزد آنان یک بحث پس انداز می باشد. و لذا وجود پس انداز از دید آنها شرط کافی برای وجود آمدن سرمایه گذاری بوده.

تئوری رشد آدام اسمیت :

اسمیت از تمرکز سرمایه به عنوان شرط لازم برای توسعه اقتصادی یاد می کند وی معتقد است حل مشکل توسعه اقتصادی تا حدود زیادی بستگی به تواناییهای مردم برای پس انداز و سرمایه گذاریهای بیشتری در یک کشور دارد بنابراین پس انداز نقش قابل توجهی در روند تمرکز سرمایه دارد. وی انباشت سرمایه را قبل از شروع روند تقسیم کار می داند همچنین تمرکز سرمایه، تقسیم کار و پیشرفت فنی را جدا از یکدیگر نمی داند. از نظر اسمیت نرخ سرمایه گذاری بر اساس پس انداز تعیین می شود. یعنی با افزایش سود، میزان پس اندازها و سرمایه گذاری افزایش می یابد و یا کاهش سود هر دو کاهش پیدا می کنند همچنین تقسیم کار موجب می شود تا بهره وری عامل کار بالا رود و در نتیجه درآمد واقعی افراد از جمله سرمایه داران افزایش یابد. افزایش

درآمد واقعی موجب افزایش پس اندازها و سرمایه گذاری می شود و در نتیجه تراکم سرمایه حاصل شده که نتیجه آن کاهش در هزینه ها بوده که این خود باعث افزایش مجدد میزان سود شده و پس انداز و سرمایه گذاری بیشتری را ممکن می سازد. وی در

کتاب ثروت ملل خود (در سال ۱۷۷۶ میلادی) چنین می گوید: "هر افزایش و کاهش سرمایه به طور طبیعی تمایل به افزایش یا کاهش ارزش حقیقی صنعت تعداد دستهای تولیدی و در نتیجه ارزش قابل مبادله تولید سالانه زمین و کار کشور، ثروت حقیقی و درآمد تمام ساکنین آن دارد. سرمایه با صرفه جویی افزایش و با ولخرجی و اسراف کاهش می یابد." اسمیت عقیده داشت که دست نامریی، گردش طبیعی اقتصاد را که

نتیجه آن رفاه عمومی است ایجاد می کند. در این صورت تقاضای کل تولید هرگز کاهش نخواهد یافت زیرا اگر مقداری از درآمد ملی پس اندازها شود خود به خود به سرمایه گذاری تبدیل می شود. بنابراین "قانون سی" به این مفهوم که عرضه تقاضای خود را خلق می کند در نظریه اسمیت جلوه می کند زیرا در نظریه پس اندازها و سرمایه گذاری وی امکان کتاب ثروت ملل می گوید: "ولخرجی و اسراف دشمن منافع عمومی و صرفه جویی به سود منافع اجتماعی است." همانطور که بیان شد از مطلب

فوق چنین استنباط می شود که از نظر وی و اقتصاددانان کلاسیک پس انداز به وسیله دست نامریی به سرمایه گذاری بدل شده و لذا بحث سرمایه گذاری در نزد آنها بحث پس انداز می باشد و عاملی که برابری این دورا تضمین می کند همان نرخ بهره است.

سایمون کوزنتس بیان می کند که در نگاهی به رشد یک کشور توسعه یافته در

قرون گذشته باید افزایش اساسی در نسبت های تشکیل سرمایه وجود داشته باشد با

عدم حصول به چنین افزایش در تشکیل سرمایه هر شتابی در رشد جمعیت منجر به کاهش تولید سرانه گردیده است. وی از مقایسه با امنیت جاری کشورهای توسعه نیافته استنتاج کرد که در رده افزایش نسبت های تشکیل سرمایه انتقال از وضعیت ماقبل صنعتی به وضعیت مدرن می باشد.

کوزنتس و کلارک با مطرح کردن دور باطل فقر که در آن سطح پایین زندگی منجر به پایین بردن سطح پس انداز گشته و پایین بردن پس انداز امکان سرمایه گذاری را تضعیف می کند. پایین بودن سرمایه گذاری منجر به افزایش بیکاری و کاهش بهره وری و نهایتاً کاهش سطح تولید می شود. بر ضرورت سرمایه گذاری و پیدا کردن راهی برای افزایش پس انداز برای رهایی از این دور باطل فقر تأکید داشتند.

لوئیس می گوید که پس انداز و سرمایه گذاری لازمه رشد اقتصادی است. الگوی رشد لوئیس یک الگوی دوبخشی بود. وی فرض می کند که آهنگ انتقال نیروی کار [از روستا به شهر] و ایجاد اشتغال و بخش شهری متناسب با آهنگ تراکم سرمایه شهری است. تراکم سرمایه به وسیله مازاد سود بخش نوین پس از پرداخت دستمزدها براساس این فرض که سرمایه دار تمام سودش را مجدداً سرمایه گذاری می کند که امکان پذیر می شود. هر قدر آهنگ تراکم سرمایه سریعتر باشد آهنگ رشد بخش نوین بالاتر و آهنگ ایجاد مشاغل جدید سریعتر و در نتیجه به رشد اقتصادی بالاتری می رسد. وی نخستین کسی بود که بیان کرد تشکیل سرمایه در طول انقلاب صنعتی دو برابر شده است.

لوئیس در کتاب « تئوری رشد اقتصادی » می گوید : " مشکل و مسأله اصلی که در تئوری توسعه اقتصادی باید فهمیده شود فرایندی است که طی آن جامعه که قبلاً ۴ یا ۵ درصد یا حتی اندکی از درآمد ملی خود را پس انداز و سرمایه گذاری می کرده است خود را به اقتصادی تبدیل کند که پس انداز اختیاری حدود ۱۲ تا ۱۵ درصد درآمد ملی یا حتی بیشتر از آن باشد. این مسأله مشکل اساسی است. زیرا واقعیت اصلی توسعه اقتصادی انباشت سریع سرمایه می باشد. " ما نمی توانیم هیچ انقلاب صنعتی را توضیح دهیم مگر اینکه بتوانیم توضیح دهیم چرا پس انداز نسبت به درآمد ملی افزایش پیدا کرده است.

روستو بعنوان یک اقتصاددان تاریخی معاصر این مطلب لوئیس را که تشکیل سرمایه در طول انقلاب صنعتی دو برابر شده، را مورد تأیید قرار داد. تحت عنوان مرحله خیز در مراحل پنج گانه رشد اقتصادی وی نام گرفت. روستو تحول اقتصادی - اجتماعی کشورهای جهان را براساس مطالعات و بررسی وقایع تاریخی به پنج مرحله تقسیم می کند. وی معتقد است برای رسیدن به مرحله کامل پیشرفت اقتصادی و انتقال از عقب ماندگی به توسعه تمام کشورها باید از یک رشته از قدمها و یا مراحل بگذرند این مراحل عبارتند از :

- ◀ مرحله سنتی
- ◀ مرحله ماقبل خیز
- ◀ مرحله خیز
- ◀ مرحله بلوغ اقتصادی

◀ عصر مصرف انبوه

روستو همانند مارکس یک حالت جبری برای وقوع پنج مرحله فوق قائل می شود. مرحله خیز مهم ترین مرحله نزد وی است برای وقوع آن، افزایش نسبت تشکیل سرمایه را بسیار ضروری می داند. همچنین در کتاب مراحل رشد اقتصادی خود خیز را به عنوان فاصله زمانی تعریف می کند که در طول آن نرخ سرمایه گذاری افزایش یابد به طوری که تولید سرانه حقیقی افزایش یابد. او معتقد است کشورهای عقب مانده که هنوز در مرحله جامعه سنتی یا "پیش شرایط" هستند باید به تجهیز پس اندازهای داخلی و خارجی به منظور ایجاد سرمایه کافی برای تسریع رشد اقتصادی بپردازند تا به مرحله خیز برسند. روستو برای مرحله حرکت به سوی بلوغ نیز افزایش نسبت تشکیل سرمایه را بیشتر از مرحله خیز مورد تأکید قرار می دهد. وی معتقد است که در مرحله خیز باید میزان پس اندازها از درآمد ملی از ۵ درصد بر ۱۰ درصد یا بیشتر افزایش یابد. میزان سرمایه گذاری های تولیدی نیز به همان اندازه افزایش پیدا کند و برای آنکه رشد اقتصادی مستمر داشته باشیم سازماندهی مالی، سیاسی و اقتصادی ضرورت پیدا می کند که در این صورت زمینه های تأمین سرمایه گذاری داخلی فراهم می شود.

کینز در نظریات خود در کتاب تئوری عمومی چنین بیان می کند: " برای این واقعیت اهمیت بسیار اندکی قائل می شویم که سرمایه یک مقوله مستقل نیست که جدا از مصرف وجود داشته باشد. برعکس هرگونه ضعف در میل به مصرف که به منزله عادت همیشگی تلقی گردد باید تقاضای سرمایه را نیز مانند تقاضای مصرف تضعیف

نماید. " وی در نظریات خود اثر کاهش تمایل به مصرف را که در واقع موجب محدود شدن تقاضای مؤثر می‌شود را مضر دانست.

در ارتباط با مسأله تشکیل سرمایه به نظریه فشار بزرگ از سوی روزن اشتاین

رودان برمی‌خوریم. آنان معتقدند که کشورهای توسعه‌نیافته برای رهایی از دام

توسعه‌نیافتگی و به دلیل پایین بودن موجودی سرمایه احتیاج به سرمایه‌گذاری

عظیمی دارد و سرمایه‌گذاری در مقیاس وسیع را شرط لازم برای توسعه این کشورها

می‌دانند و چون در اینگونه کشورها اغلب دولتها نقش عمده‌ای را در تشکیل سرمایه

برای شروع و هدایت رشد و توسعه دارند لازم است سرمایه‌گذاری به صورت همزمان

در صنایع مختلف و مکمل صورت گیرد تا این صنایع تقاضا برای کالاهای یکدیگر را

فراهم کرده و محدودیت بازار را که در این کشورها مانعی در راه رشد این صنایع است

از بین ببرد. بنابراین برای رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی وجود منابع مالی ضروری

است و هر تبدیل منابع مالی به سرمایه‌گذاری.

ریکاردو معتقد است سرمایه‌داران یا طبقه مولد جامعه تا زمانی که نرخ سود

مثبت است سود حاصل را به سرمایه‌گذاری تبدیل کرده و موجب رشد و توسعه

اقتصادی می‌شوند. تا زمانی که نرخ سود به اندازه کافی بالا باشد سرمایه‌داران قادر

خواهند بود پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کنند. در این صورت عرضه سرمایه بالا می‌رود و

دستمزد زیاد می‌شود این امر امکان اشتغال نیروی کار را که از طریق رشد جمعیت در

حال افزایش است فراهم می‌آورد اما با رشد مداوم جمعیت یا با فشار جمعیت و در

شرایطی که شیوه فنی تولید ثابت است جریان تبدیل سود به سرمایه‌گذاری به طور

مداوم امکان پذیر نیست. بنابراین با افزایش نیروی انسانی جدید که به زمین‌های در حال کشت و نامرغوب اضافه می‌گردد سهم بهره مالکانه از درآمد زمین افزایش یافته و حجم سود را کاهش می‌دهد. در نتیجه طبقه غیرمولد جامعه غنی و غنی‌تر شده و درآمد خود را صرف خرید کالاهای لوکس و تجملی می‌کنند. در حالی که طبقه سرمایه‌دار کاملاً از بین می‌رود.

در این وضعیت از یک طرف چون جمعیت غیرفعال زیاد است دستمزد در حداقل معیشت قرار خواهد گرفت و از طرف دیگر با کاهش میزان سود جذب آن بوسیله بهره مالکانه پس‌انداز کاهش یافته و رشد سرمایه متوقف و اقتصاد در حالت سکون قرار می‌گیرد. ریکاردو تمرکز سرمایه را نتیجه تجمع سودها می‌داند و معتقد است چون سود موجب پس‌انداز ثروت شده و منجر به تمرکز سرمایه می‌شود. تمرکز سرمایه را به توانایی برای پس‌انداز وابسته می‌دانست. توانایی برای پس‌انداز نقش مؤثرتری در تمرکز سرمایه دارد و بستگی به درآمد خالص جامعه دارد. هرچه درآمد خالص بیشتر باشد توانایی برای پس‌انداز نیز زیادتر خواهد بود.

به طور کلی پس‌انداز به منظور انباشت سرمایه مرحله قبل از تبلور مادی سرمایه بره مثابه ابزار تولید است و این عامل یکی از شرایط لازم برای دستیابی به رشد است. از دیدگاهی مهمترین علت کمبود سرمایه در کشورهای در حال توسعه را می‌باید در ریشه اساسی آن یا پدیده کمی پس‌اندازها جستجو نمود.

بنابراین بهترین روش برای مقابله با کمبود سرمایه، افزایش پس اندازهای داخلی است از این رو در مباحث مختلف اقتصادی به بحث پس انداز اهمیت ویژه‌ای داده شده است.

اهمیت پس انداز در تشکیل سرمایه :

در اقتصادهای پیشرفته با درک اهمیت پس انداز به منزله نقطه آغاز و زیربنای توسعه اقتصادی به این عامل مهم اقتصادی توجه و عنایت زیادی شده است. بسیاری از تحلیل‌گران اقتصادی، انقلاب صنعتی و پیشرفت سریع اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته را نتیجه افزایش سریع حجم پس انداز می‌دانند. پس انداز را آنچه که از درآمد حاضر مصرف نمی‌شود می‌دانند در واقع از محل درآمد افراد حاصل می‌شود.

در کشورهای در حال توسعه پس انداز حایلی بین یک جریان درآمد نامطمئن و غیرقابل پیش‌بینی و یک سطح مصرف نزدیک به حداقل معیشت ثابت بویژه در کشورهای با اقتصاد کشاورزی و یا متکی بر مواد اولیه می‌باشد. پس انداز کمتر به معنی مصرف بیشتر امروز و سرمایه‌گذاری کمتر و در نتیجه مصرف کمتر آینده است. پس انداز بخش خانوار یا پس انداز فردی دارای اهمیت ویژه‌ای هم برای کشورهای در

حال توسعه و هم برای کشورهای توسعه‌یافته می‌باشد. پس انداز این بخش معمولاً حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد پس انداز داخلی را به خود اختصاص می‌دهد.

بدون توجه به روند تاریخی مباحث سرمایه‌گذاری و با تکیه بر اقتصاد دوبخشی کینز، تعادل در اقتصاد زمانی بوجود می‌آید که مقدار سرمایه‌گذاری با پس انداز برابر باشد. پس در هر جامعه‌ای پس انداز بیشتر منجر به سرمایه‌گذاری بیشتر می‌شود.

پس انداز در هر جامعه از کسر میزان مصرف از درآمد بدست می آید بنابراین هر چقدر درآمد بیشتر باشد پس انداز بیشتر شده در نهایت به سرمایه گذاری بیشتر می انجامد. بخش خانوار تنها بخشی است که پس انداز آن از سرمایه گذاری آن فراتر می رود. لذا رشد سرمایه گذاری بخش دولت و شرکت ها که غالباً سرمایه گذاری آنها از پس اندازشان بیشتر است به جذب پس انداز بخش خانوار بستگی دارد.

شواهد تجربی نشان می دهد که کشورهایی که پس انداز بالاتری داشته اند افزایش رشد اقتصادی بیشتری را نیز تجربه نموده اند. بین کشورهای توسعه یافته طی دهه های گذشته آلمان و فرانسه با نرخ پس اندازی دو برابر ایالات متحده، رشد بهره وری دو برابر آمریکا را تجربه کرده اند. از طرف دیگر ژاپن با نرخ پس اندازی بیش از سه برابر آمریکا رشدی سه برابر آن کشور را در بهره وری خود تجربه نموده است.

در واقع پس انداز که از محل درآمد افراد حاصل می شود پایه و اساس سرمایه گذاری های تولیدی است و بدون سرمایه گذاری اصولاً کالا و خدماتی تولید و عرضه نخواهد شد. رشد اقتصادی لازم هاش پس انداز است که باید تبدیل به سرمایه گذاری شده و به دنبال خود افزایش تولید در رشد اقتصادی بالاتر را به بار آورد. زیرا همیشه سرمایه گذاری دو نقش را ایفا می کند. از یک طرف بخشی از تقاضای جاری کشور محسوب می شود از طرف دیگر سرچشمه پیشرفت اقتصادی فردای هر کشور است.

عوامل مؤثر بر پس انداز

عوامل زیر از جمله عواملی هستند که می توانند بر روی پس انداز مؤثر باشند :

بار تکفل، تورم، نرخ واقعی بازده، رفتار شرکت‌ها نسبت به سود انباشته و توزیع سود، کسری بودجه دولت. تأمین اجتماعی، بیمه، رفتار جامعه نسبت به ارثیه، ثبات اقتصادی، قوانین مالیاتی (مستقیم و غیرمستقیم)، قیمت انرژی، توزیع درآمد، سطح حداقل معاش، خصوصیات فرهنگی جامعه و ...

۱- توزیع درآمد

در جوامع توسعه‌نیافته که تحول و تحرک اقتصادی و اجتماعی محدود است توزیع نابرابر درآمد نمی‌تواند موجبات پس‌انداز را فراهم کند اگر در چنین جوامعی پس‌انداز تشکیل گردد بعید است که در راه‌های تولیدی به کار گرفته شود بلکه به صورت خرید فلزات قیمتی، املاک و زمین تجلی پیدا خواهد کرد.

توزیع درآمد نابرابر در کشورهای در حال توسعه سبب می‌شود خانوارها با درآمد پایین قدرت پس‌انداز نداشته و تنها در دهک‌های بالای درآمدی انتظار پس‌انداز بیشتر وجود دارد. هر چه توزیع درآمد عادلانه‌تر شود امکان جمع‌آوری پس‌انداز بیشتر، افزایش خواهد یافت. کینز درآمد جاری را عامل اصلی تعیین‌کننده میزان پس‌انداز می‌داند و به رابطه مثبت و معنی‌دار بین درآمد جاری و مصرف تأکید می‌کند.

اقتصاددانان بعد از وی از قبیل دوزنبیری، مادیلیانی، فریدمن هر یک به نوعی در مطالعات تجربی خود تأثیر درآمد بر پس‌انداز را نشان دادند.

از طرفی تکیه بر مالیات بر درآمد در مقابل مالیات غیرمستقیم می‌تواند پس‌انداز را کاهش دهد بنابراین با انتقال بار مالیاتی جامعه به خانوارهای فقیر پس‌انداز جامعه نخواهد توانست افزایش یابد.

۲- رشد درآمد سرانه

در کشورهای که رشد درآمد سرانه سریعتری دارند باید نرخ پس انداز کل افزایش داشته باشد. طبق مدل سیکل زندگی در شرایط رشد سریع درآمد سرانه، درآمد نیروهای مشاغل که در دوران فعالیت خود به سر می‌برند و در این سنین پس انداز بیشتری دارند نسبت به درآمد افراد بازنشسته و سالخورده با شدت بیشتری افزایش می‌یابند و در واقع سهم نیروهای در دوران فعالیت از درآمد ملی بیشتر و با توجه به نرخ پس انداز زیاد آنها، باید پس انداز کل افزایش یابد. (مودیگلیانی، ۱۹۷۰)

در مورد ساختار سنی جامعه هم همانطور که بیان شد انتظار می‌رود سنین پایین کمتر و سنین بالاتر جامعه بیشتر پس انداز کنند. گروه جوان تر تمایل به مصرف بسیار بالاتری دارند.

۳- تورم

در مورد این عامل و تأثیر آن بر پس انداز نمی‌توان پیشاپیش به قضاوت صریح و قاطعانه نشست. افزایش در نرخ تورم از چند جهت روی نرخ پس انداز اثر می‌گذارد.

از یک طرف نرخ تورم از طریق توزیع درآمد به نفع صاحبان سود قاعداً تأثیر مثبت روی پس انداز دارد. همچنین تورم باعث کاهش دارایی‌های ثابت مانند اوراق قرضه می‌گردد با کاهش ثروت واقعی پس انداز افزایش می‌یابد. تورم می‌تواند موجب افزایش عدم اطمینان در محیط اقتصادی نسبت به آینده گردیده و در نتیجه باعث

میل به نقدینگی شده و عرضه حقیقی پول را کاهش می دهد $(\frac{MS}{P})$ در نتیجه سبب افزایش نرخ بهره می شود و لذا سرمایه گذاری بلند مدت را کاهش می دهد.

با افزایش تورم نرخ واقعی بازدهها منفی گردیده، تمایل به مصرف افزایش و میل به پس انداز کاهش یافته، گاهی ممکن است که نرخ بهره اسمی همراه با تورم افزایش نیابد در این صورت به زیان پس اندازکنندگان است و اثر منفی روی پس انداز دارد.

۴- نرخ بهره

نرخ بهره هم مانند نرخ تورم از چند جهت روی پس انداز اثر می گذارد. نرخ بهره را می توان از دو جنبه اثر جانشینی و اثر درآمدی بررسی کرد. از طریق اثر درآمدی، افزایش نرخ بهره، موجب افزایش مصرف جاری و لذا کاهش پس انداز می شود. افزایش نرخ بهره از طریق اثر جانشینی موجب جانشین شدن مصرف آینده به جای مصرف حال می شود زیرا قیمت مصرف حال را افزایش می دهد.

مروری بر تجربه کشورها پیرامون نقش سرمایه گذاری بر رشد و توسعه اقتصادی با توجه به اهمیت که سرمایه گذاری در رشد و توسعه اقتصادی داراست به بررسی واقعیات آماری در این زمینه و ارتباط سرمایه گذاری و رشد اقتصادی می پردازیم. در مطالعه ای که در سال ۱۹۹۱ توسط صندوق بین المللی پول برای سرمایه گذاری خصوصی در کشورهای در حال توسعه صورت گرفته است بر تأثیر سرمایه گذاری بر رشد اقتصادی صحنه گذاشته است در این مطالعه چنین آمده است که از شروع دهه ۱۹۸۰ کشورهای در حال توسعه کاهش قابل ملاحظه ای در رشد

اقتصادی را تجربه کرده‌اند نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) برای تمامی کشورهای در حال توسعه در طول دوره ۱۹۸۱-۸۹ بطور متوسط ۳/۳ درصد در سال بوده است براساس ارقام سرانه رشد متوسط (GDP) حقیقی از ۳ درصد در سال در طول دوره ۱۹۷۱-۸۹ کمتر از یک درصد در سال در طول دوره ۱۹۸۱-۸۹ کاهش یافته است.

یکی از دلایل عمده کاهش نرخ رشد، کاهش در نرخ سرمایه‌گذاری بوده و در نمونه‌ای شامل تعداد قابل توجهی از کشورهای در حال توسعه نشان داده است که نرخ رشد بطور معنی‌داری تحت تأثیر سرمایه‌گذاری قرار می‌گیرد.

در مطالعه‌ای توسط صندوق بین‌المللی پول که برای ۲۳ کشور در حال توسعه برای دوره ۱۹۸۵-۹۰ صورت گرفته است نشان داده شده که برای این دوره با استفاده از طبقه‌بندی این ۲۳ کشور به دو گروه با نرخ سرمایه‌گذاری بالاتر و کشورهای با نرخ سرمایه‌گذاری کل پایین‌تر رابطه‌ای بین نرخ سرمایه‌گذاری خصوصی و نیز سرمایه‌گذاری کل و رشد اقتصادی وجود دارد.

کشورهای با نرخ سرمایه‌گذاری خصوصی پایین بطور متوسط ۹/۱ درصد GDP دارای نرخ رشد GDP سرانه حقیقی ۹٪ بودند در حالی که کشورهای با نرخ سرمایه‌گذاری خصوصی بالا به طور متوسط ۱۵/۴ درصد GDP دارای نرخ رشد GDP سرانه حقیقی ۲/۱ درصد بوده‌اند.

در مطالعه‌ای که توسط اقتصاددانان صندوق بین‌المللی پول برای ۲۴ کشور در حال توسعه برای دوره ۱۹۷۰-۸۰ به منظور بررسی رابطه رشد اقتصادی و نرخ

سرمایه‌گذاری صورت گرفته است با استفاده از تخمین‌های اقتصاد نوین تأثیر سرمایه‌گذاری بالاتر بر رشد تأیید شده است.

در یکی از مطالعات انجام شده صندوق بین‌المللی پول بیان شده که نسبت پس‌انداز کل به GDP در کشورهای صنعتی بطور متوسط اوایل دهه ۸۰-۱۹۷۰ حدود ۶٪ کاهش یافته است و در کشورهای در حال توسعه به طور متوسط نرخ‌های پس‌انداز کل که در اواخر ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته بود حدود ۸ درصد کاهش یافته است و این کاهش در نرخ‌های پس‌انداز در سطح جهانی کاهش انباشت سرمایه و رشد اقتصادی را به دنبال داشته است.

در مطالعه دیگری توسط صندوق بین‌المللی پول رشد و سرمایه‌گذاری را برای ۱۲۵ کشور در حال توسعه بررسی کرده است. در این مطالعه ثابت شده که رابطه مثبت و معنی‌داری برای تمام گروه کشورهای شاخص‌های اقتصادی مختلف وجود داشته است. با ده درصد افزایش در نرخ سرمایه‌گذاری به GDP نرخ رشد نیز حدود $\frac{1}{2}$ درصد بطور متوسط افزایش یافته است.

جدول شماره ۱-۱- سهم سرمایه‌گذاری در GDP برخی کشورهای منتخب

(درصد)

سال	چین	هند	اندونزی	کره	پاکستان	فیلیپین	ترکیه
۱۹۹۲	۳۴/۴	۲۳/۳	۲۸/۷	۳۶/۶	۲۰/۲	۲۱/۳	۲۳/۱

۲۷/۱	۲۴/۵	۲۰/۷	۳۴/۳	۲۸/۳	۲۱/۳	۴۱/۲	۱۹۹۳
۱۹/۸	۲۵/۳	۲۰/۱	۳۸/۴	۲۷/۶	۲۴/۸	۴۳/۶	۱۹۹۴

Source : Trends in Developing Countries WB 1995

کشورهای جنوب شرقی آسیا جزو معدود کشورهایی هستند که توانستند در ربع قرن گذشته موفقیت‌های چشمگیری از نظر رشد اقتصادی، کاهش فقر و افزایش سطح زندگی بدست آورند. رمز موفقیت این کشورها سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و پاره‌ای از عوامل دیگر بوده است. سرمایه‌گذاری (بعنوان درصدی از محصول ناخالص داخلی) در شرق آسیا طی ربع قرن گذشته سریعاً افزایش یافته و به بیش از ۱/۵ برابر دیگر کشورهای در حال توسعه رسیده است.

نرخ‌های بالای پس‌انداز بطور برجسته در تعبیر و تفسیرهای نئوکلاسیک و ساختارگرایی درباره معجزه‌های آسیای شرقی مشخص است. در چارچوب نئوکلاسیک نرخ‌های بالای پس‌انداز متغیرهای متداخل میان اقتصاد کلان و سیاست‌های بخش مالی و نرخ‌های بالای سرمایه‌گذاری هستند. در چارچوب ساختارگرایی نرخ‌های بالای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری عناصر تشکیل‌دهنده تلاش کل دولت در بسیج سرمایه و ترویج سرمایه‌گذاری بطور مستقیم از طریق بنگاه‌های عمومی یا بطور غیرمستقیم از طریق تشویق سرمایه‌گذاران بخش خصوصی هستند. تحلیل نرخ‌های بازده سرمایه‌گذاری در سطح ملی نشان می‌دهد که کشورهایی که سریعاً صنعتی شده‌اند استفاده مؤثرتری از سرمایه بعمل آورده‌اند. افزایش سریع پس‌اندازها بعنوان سهمی از محصول ناخالص داخلی به عملکرد سرمایه‌گذاری شرق آسیا کمک کرده است. تجهیز

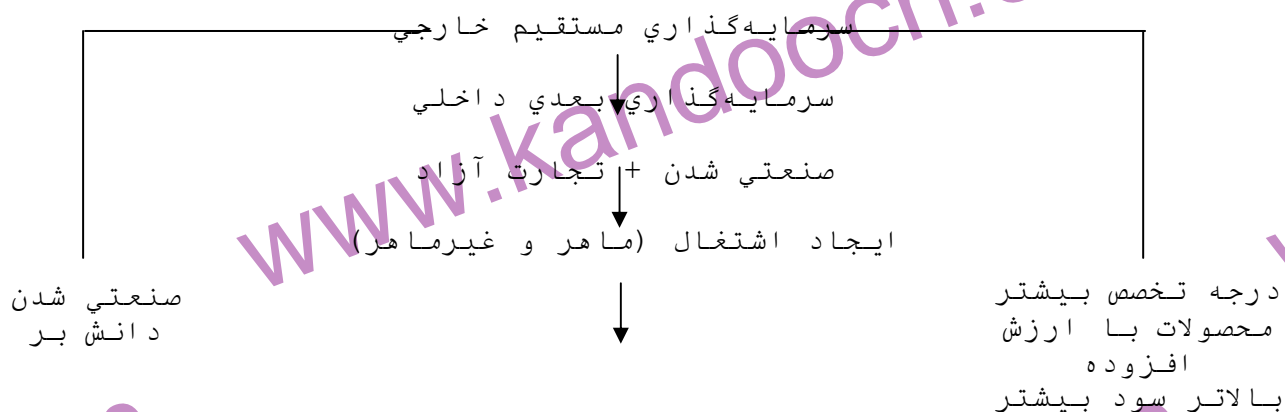
منابع داخلی بوسیله پس اندازهای خصوصی و ایجاد پس اندازهای عمومی تقویت شده است. سهم پس انداز محصول ناخالص داخلی اکنون ۵۰ درصد بیش از سایر کشورهای در حال توسعه است. تجربه این کشورها به طور کلی نشان دهنده تورم پایین تر و نرخ بهره واقعی بالاتر در مقایسه با کشورهای دیگر است. با توجه به نرخ بالای بهره، تشویق پس انداز در شرق آسیا مشکل نبوده و منجر به یک دور عادلانه پس انداز درآمد شده است. مطالعات تجربی نشان داده اند که بیشترین میزان رشد آسیای شرقی را می توان به سرمایه گذاری های وسیع در سرمایه مادی و انسانی نسبت داده سهم سرمایه گذاری در شرق آسیا بطور متوسط مشابه با سایر کشورها بوده است ولی در واقع کارایی و نه اندازه سرمایه گذاری این کشورهاست که عملکرد سرمایه گذاری ها را در مقایسه با دیگر کشورهای در حال توسعه متمایز می سازد.

در سال ۱۹۹۰، پس اندازهای آسیای شرقی از معیارهای جهانی بالاتر بوده رشد نرخ درآمد یک عامل مهم تعیین کننده مثبت در پس انداز است. بنابراین نرخ بالای پس انداز نشانه موفقیت آن و همچنین ثبات اقتصاد کلان است. تورم در پس اندازها اثرات منفی دارد در حالی که تورم در آسیای شرقی عموماً پایین بود. روشهای جذب پس انداز در کشورهای مختلف متفاوت بوده است. تایوان پس اندازهای خصوصی را بوسیله نرخهای بالای بهره و نظام گسترده پس انداز پستی ترغیب و تشویق کرد. در کشورهای شرق آسیا از جمله تایوان، کره در دهه اول توسعه خود به تشکیل سرمایه اقدام کرده اند هنگامی که ماشین رشد به حرکت درآمد میزان پس اندازهای داخلی افزایش یافت و فرایند تراکم سرمایه را تأمین نمود. سرمایه گذاری خارجی و چارچوب

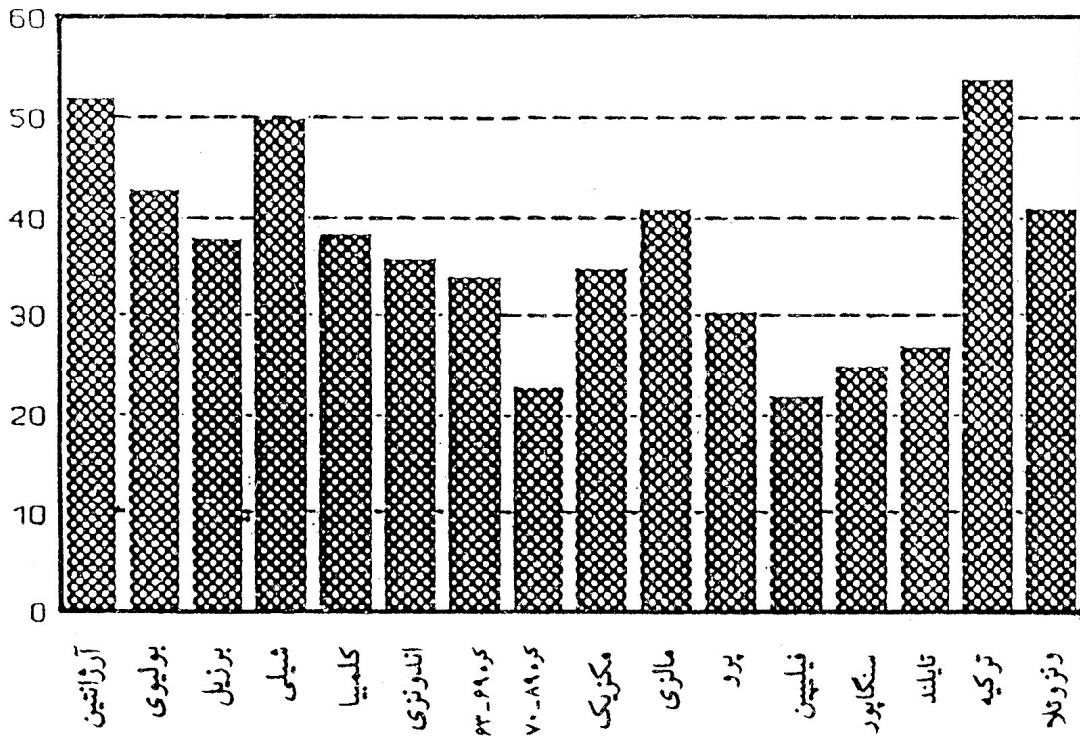
سیاستی مستحکم اقتصاد کلان هم عامل مهمی در توسعه این کشورها بودند. از ویژگی‌های این چارچوب سیاستی ویژگی‌های انضباط مالی، انگیزه کافی برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و سیاست تجاری برون‌گر برخوردار بوده است. ثبات اقتصاد کلان موجب می‌شود که پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران پیش‌بینی تقریباً درستی از قیمت‌ها و بازدهی داشته باشند. هنر اقتصادهای شرق آسیا این بوده که حتی در طول دوره‌های بحرانی نیز توانسته‌اند سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اساسی خود را حفظ کرده و ادامه دهند.

در کره پس‌اندازهای شخصی بطور متوسط در دهه ۱۹۶۰، ۱ تا ۲ درصد محصول ناخالص ملی بود. در دهه ۱۹۷۰ تا متوسط ۷ درصد بالا رفت و در دهه ۱۹۸۰ به ۱۶ درصد محصول ناخالص ملی رسید. زمانی که پس‌انداز شرکت‌ها را به پس‌اندازهای دولت اضافه کنیم پس‌اندازهای ملی از ۱۰ درصد محصول ناخالص ملی در دهه ۱۹۶۰ به ۲۱ درصد در دهه ۱۹۷۰ و در دهه ۱۹۸۰ به بالاترین حد آن یعنی ۳۸-۳۵٪ رسید. پس‌اندازها به رشد مداوم درآمد و تداوم کاهش نرخ‌های رشد جمعیت که نسبت تکفل را پایین آورده و واکنش نشان داده است.

پویایی راهبر و توسعه

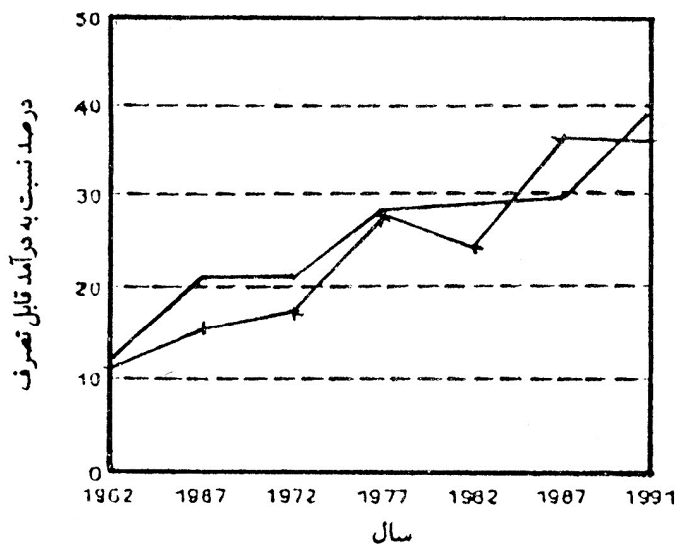






شکل شماره ۱-۱- میزان سرمایه گذاری عمومی نسبت به کل سرمایه گذاری

داخلی (درصد) ۱۹۷۰-۱۹۸۹



—+ پس انداز داخلی — سرمایه گذاری داخلی

شکل شماره ۱-۲- سرمایه‌گذاری و پس‌انداز

فصل دوم :

نقش و جایگاه نظام مالي در تجهيز سرمايه

مقدمه :

اقتصاددانان بر این باورند که مقامات ذی‌ربط در کشورهای در حال توسعه می‌توانند سطح پس‌انداز داخلی و نهایتاً تجهیز منابع سرمایه‌ای را با کمک سرمایه‌های خارجی تأمین نمایند که نتیجه آن امکان افزایش سرمایه‌گذاری ثابت در این کشورها خواهد بود. در کنار این راه حل، راه حل دومی نیز وجود دارد که همانا تجهیز و هدایت وجوه موجود در کشور به سمت فعالیت‌های مولد صنعتی است. یکی از ویژگی‌های کشورهای در حال توسعه پراکندگی و نابسامانی پس‌اندازها و سرمایه‌هاست به نحوی که سرمایه‌ها به مسیرهای بهینه هدایت نمی‌شوند به منظور بهینه‌سازی مسیر گردش منابع مالی در این اقتصادها لزوم تشکیل بازارهای کارآمد و قوی همراه با سازمان‌های مالی مناسب و فعال در این بازارها از مهمترین عوامل مؤثر در افزایش سرمایه‌گذاری و در پی آن رشد و توسعه است که تقریباً در تمامی کشورهای در حال توسعه این سازمان‌های مالی مناسب و یا نظام مالی قوی وجود ندارد یا در یک سطح ابتدایی و محدود قرار داشته که عملاً نمی‌توانند نقش قابل ملاحظه‌ای را در تجهیز و هدایت وجوه موجود به سمت فعالیت‌های مولد داشته و تأثیر مناسب و کارایی را در ارتقاء و بهبود ساختار اقتصادی کشور داشته باشند.

همانطور که بیان شد برای تجهیز و هدایت وجوه موجود در کشور به سمت فعالیت‌های مولد و همچنین گسترش این امر نیازمند انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری، در نتیجه یک نظام مالی قوی هستیم تا بتواند وجوه موجود در جامعه و پس‌اندازهای سرگردان خانوارها را به سوی سرمایه‌گذاری‌های مورد نظر هدایت کند. مسئله تجهیز

منابع سرمایه‌ای و چگونگی هدایت آن به سمت کاراثرین فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و نهایتاً توسعه یک بازار فعال و پویا که بتواند به بهترین وجه ممکن رابطه میان پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران را فراهم نماید از مبانی پایه‌ای هر اقتصاد روبه توسعه محسوب می‌شود. امروزه بخش مالی و توسعه آن نه به عنوان یک ابزار کمکی برای سایر بخش‌های اقتصادی که خود به عنوان یک عامل بسیار مهم در فرایند صنعتی شدن در رشد و توسعه اقتصادی شناخته می‌شود.

مروری بر ساختار بازار مالی

الف - سیستم مالی

سیستم مالی به مجموعه‌ای از ابزارها (همانند اوراق سهام، قرضه، سپرده‌های دیداری)، نهادها (همانند بانک‌ها) بازارهای مالی (جایی که افراد به انتشار و مبادله اوراق بهادار مشغولند) اطلاق می‌شود که نقش اساسی در تجهیز بازار سرمایه دارد. سیستم مالی به نوبه خود یکی از مهمترین اجزای نظام اقتصادی است و ویژگی اساسی از فرایند توسعه اقتصادی بوده، درک عمیقی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی منوط به شناخت بیشتری از کارکردهای سیستم مالی و اثر آنها روی رشد اقتصادی می‌شود. یک نظام مالی کارا می‌تواند با فراهم کردن خدمات، تقسیم ریسک، نقدینگی سریع و اطلاعات مناسب و از این رو تخصص کاراثر سرمایه، بهره‌وری سرمایه، رشد اقتصادی را بهبود بخشد.

همانطور که گفته شد نظام مالی در راستای ایفای وظایف خود نیازمند ایجاد سازوکارهای مناسب می‌باشد. از این نگاه، نهادهای مالی به عنوان بازوهای اجرایی نظام

مالی که نقش واسطه بین پس انداز کنندگان و متقاضیان پس انداز را بازی می کنند، در تحقق هدف های این نظام و حصول کارایی آن نقش بنیادین دارند. سیستم مالی از طریق نرخ پس انداز و یا تخصیص مجدد پس انداز بین تکنولوژی های مختلف تولید کننده سرمایه روی انباشت سرمایه تأثیر می گذارد. یک سیستم مالی دو وظیفه دارد :

۱- انتقال وجوه مالی به مولدترین استفاده ها (وظیفه تخصیص)

۲- و اطمینان از وجود یک جریان بازدهی به اندازه کافی مناسب برای

تأمین کنندگان مالی (وظایف حمایتی)

وظایف حمایتی همان ویژگی های مربوط به رابطه بین تأمین مالی کننده ها و مشتریان آنها می باشد و از این رو بر وظیفه تخصیص نیز تأثیرگذار است. آن ویژگی ها نیز عبارت است از تسهیل محدودیت های مالی، امکان برقراری روابط مجدد، تقسیم ریسک و تدارک اطلاعات برای تخصیص سرمایه.

ب - بازار مالی

بازارهای مالی به منظور تأمین مالی؛ سبک و کار و مخارج مصرفی را کنار هم قرار می دهند. این بازارها همچنین این امکان را فراهم می کنند که افراد مبادلات بازرگانی را تکمیل و خطرها را توزیع کنند. هر معامله ای دو طرف دارد. برای هر وام دهنده، وام گیرنده ای و برای هر فروشنده، خریداری وجود دارد.

در بازارهای مالی، دارایی هایی همچون اوراق سهام، اوراق مشارکت، اسناد بهادار و مواردی از این قبیل خرید و فروش می شوند. بازارهای مالی از یک طرف افزایش پس

انداز و استفاده و هدایت از آنها در فعالیتهای اقتصادی را مهیا می‌سازد و از طرف دیگر با گران کردن وام‌ها، انگیزه برای دریافت وام را کاهش می‌دهد به این ترتیب با کاهش تقاضا برای پول در جامعه، تورم را مهار می‌کند انباشت سرمایه‌ها عامل اصلی رشد سرمایه‌هاست و نهادهای مالی می‌توانند در افزایش پس‌انداز و جذب سرمایه خارجی و رشد پس‌اندازها مؤثر باشند. رشد تولید ناخالص ملی و میزان تولید ناخالص ملی در کشورهای مختلف متناسب مستقیم و رابطه مستقیمی با توسعه بخش بانکداری و نهادهای مالی دارد. این واسطه‌های مالی در دو بازار پول و سرمایه فعالیت می‌کنند (بازار پول اسناد و با سررسید کمتر از یکسال و بازار سرمایه اسناد و با سررسید بیش از یکسال). واسطه‌های مالی نهادهایی مانند: بانک‌های تجاری، اتحادیه‌های اعتباری، بانک‌های پس‌انداز، شرکت‌های مالی، شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی هستند که پس‌انداز گروهی از مردم را جمع‌آوری کرده و به وام‌گیرندگان، وام می‌دهند. انتقال وجوه از وام‌دهندگان به متقاضیان وجوه در بازارهای مالی صورت می‌گیرد این وام‌دهی و وام‌گیری به طور غیرمستقیم از طریق نهادهای مالی که به عنوان واسطه عمل می‌کنند انجام می‌گیرد. در واقع بازار ملی مجموعه‌ای از نهادها، سازمان‌ها و مناسبات است که وظیفه آن تجهیز منابع از پس‌اندازهای کوچک و پراکنده برای هدایت به سمت بنگاه‌ها و طرح‌هایی که قبلاً بعنوان بهترین شناخته شده است و نیز تخصیص اعتبار است. بانک‌ها و موسسات مالی غیربانکی، بازار اوراق بهادار موسسات بیمه و شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی و ... بازارهایی را پدید می‌آورند که در واقع بخش مالی اقتصاد را تشکیل

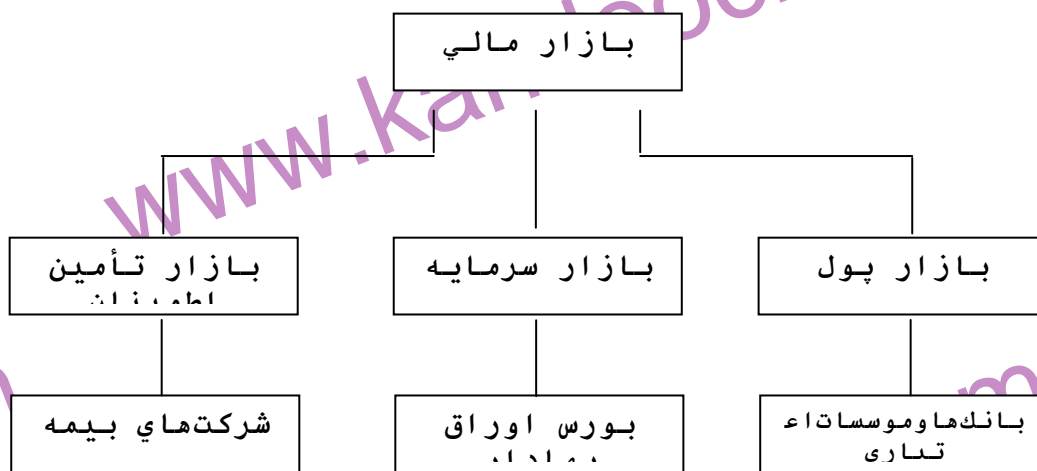
می دهند و به عنوان واسطه ملی عمل می کنند. وظیفه اصلی نهادهای فعال در این بازار، تجهیز منابع مالی موجود و هدایت آن به سمت مصارف سرمایه گذاری در فعالیتهای اقتصادی است. همانطور که قبلاً بیان کردیم برای رسیدن به رشدی پایدار نیازمند تشکیل و افزایش سرمایه هستیم.

در اقتصادهای توسعه یافته نظام مالی گسترده است به گونه ای که موسسه های پولی متعدد در آنها قابل تمیز می باشند. در اقتصادهای در حال توسعه، این بازارها کوچک بوده و بیشتر متشکل از شبکه ای از بانک های ملی و تجاری است. در کشورهای کمتر توسعه یافته نظام بانکی بر بازارهای مالی مسلط بوده و از اینرو، در برنامه اصلاحات اقتصادی، بانک ها محور و پایه اساسی تلقی می شوند. در اینگونه اصلاحات، ایجاد نظام مالی کارآمد، نیرومند و هر چه عمیق تر به عنوان هدف برگزیده می شوند و کارآمدی نظام بانکی در تخصیص بهینه منابع مالی و ارائه خدمات مالی با کیفیت برتر جستجو می شود. در راستای تخصیص بهینه منابع بانکی، اصلاحات بیشتر شامل کاهش دخالت دولت در اعطای تسهیلات و تعیین نرخ بهره بوده و به رقابت بین بانکی دامن زده شده است.

بازارهای مالی را می توان با توجه به عوامل مختلف تقسیم بندی نمود. طبقه بندی برحسب نوع حقوق (با درآمد ثابت و با درآمد متغیر) برحسب سررسید (کوتاه مدت یا بازار پول، بلند مدت یا بازار سرمایه) برحسب نحوه انتشار (بازار اولیه، ثانویه) برحسب ساختار سازمانی (بازارهای حراجی، بازارهای خارج از بورس، بازارهای واسطه) برحسب گستره موسسات مالی (بازار پول، بازار سرمایه، بازار تأمین اطمینان) و ...

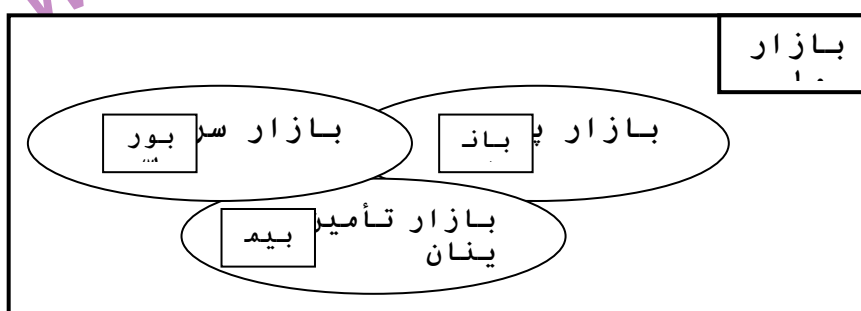
طبقه‌بندی برحسب گستره موسسات مالی رایج‌ترین و جامع‌ترین طبقه‌بندی می‌باشد. در این تقسیم‌بندی از بازار ملی فعالیت انواع موسسات در سه وظیفه؛ تامین مالی، خدمات مالی و سرمایه‌گذاری تمایل و توزیع ریسک خلاصه می‌شود.

ساختار نظام مالی بر اساس حوزه عملکرد بازارهای مختلف



در واقع پول توسط بازار پول، اطمینان توسط بازار بیمه و سرمایه در بازار سرمایه تأمین و ارائه می‌شود. بازار پول و سرمایه مکمل یکدیگرند. در بازار پول عمدتاً موسسات بانکی در بازار سرمایه عمدتاً موسسات مالی غیربانکی فعالیت دارند. ابزار این عاملین سهام، اوراق قرضه، اوراق بهادار و اسناد بدهی بلند مدت می‌باشد. برخی از موسسات نظیر شرکت‌های بیمه در هر دو بازار فعالیت می‌کنند. به این ترتیب که شرکت‌های بیمه می‌توانند در بازار پول به عنوان عرضه کننده منابع مالی کوتاه مدت و در بازار سرمایه به مثابه تقاضا کننده سرمایه فعالیت داشته باشند.

ساختار بازار مالی در یک نگاه ساده



الف- بازار پول

بازار پول معنی و مفهوم گسترده‌ای دارد عرضه و تقاضای نقدینگی بخش خصوصی (حجم پول و شبه پول) اوراق بهادار (قرضه و سهام) و اوراق تجاری (برات و سفته) و امکانات موجود در جهت تنزیل و تبدیل آنها را در وجوه در برمی گیرد. به این ترتیب بازار پول را می توان بازاری دانست که در آن انواع وجوه نقد (نقدینگی) به صورت پول و اعتبار و وام داده، گرفته می شود و یا به انواع اسناد بهادار و تجاری تبدیل می گردد سبب فعالیت در بازار پول، بانکها و سایر نهادهای پولی هستند. فعالیت بانکهای تجاری که غالباً اعتبارات کوتاه مدت را به منظور تأمین سرمایه در گردش فراهم می کنند در زمره بازار پول بحساب می آیند.

در بازار پول درجه اطمینان در بازپرداخت وجه بالا می باشد و سرعت مبادلات بسیار زیاد محل معینی برای انجام معامله وجود ندارد اطمینان کافی نسبت به بازپرداخت اصل و فرع وامهای دریافتی وجود دارد. در ایران دو نوع بازار پول داریم یکی بازار پول غیررسمی که در آن نرخ بهره بالاتر و کنترل بانک مرکزی بر آن کمتر است و دیگری بازار رسمی پول. بازار رسمی پول را سیستم بانکی (بانکداری بدون ربا) یدک می کشد و تنها در این بازار آمار و اطلاعات مستند وجود دارد. بانک مرکزی با ابزار عملیات بازار باز می تواند این بازارها را کنترل کند. اما در ایران به علت انعطاف

ناپذیری نرخ بهره و نرخ ذخیره قانونی این کنترل عملاً وجود ندارد و سیاست پولی از این طریق می‌تواند اعمال شود. لذا بازار پول در ایران با مشکل تخصیص بهینه منابع مواجه است.

بازار پول که در اغلب کشورهای در حال توسعه در شبکه بانکی خلاصه می‌شود یکی از بخش‌های اساسی بازار مالی است. بانک‌ها و مؤسسات پولی تهیه و تأمین نیازهای پولی را به عهده دارند و به عنوان واسطه پولی از یک سو جذب سرمایه‌های پولی و از سوی دیگر توزیع منابع پولی را تسهیل می‌کنند. درجه اهمیت بانک‌ها از عملکرد خاص آنها در خلق پول ناشی می‌شود. در ایران هر چند بانک‌ها در دو دهه اخیر عمدتاً به عنوان صندوق تأمین مالی دولت عمل کرده‌اند ولی در همین دو دهه نیز نقش توسعه‌ای بانک‌ها قطعی و انکارناپذیر است. با توسعه اطلاع‌رسانی بانک‌ها و در کل بازار پول فرصت مطلوبی برای گسترش سرمایه‌گذاری‌ها بدست می‌آورند.

بانک

لفظ بانک به قولی از واژه آلمانی «بانک» به معنای شرکت گرفته شده و به قولی دیگر واژه‌ای است از ریشه ایتالیایی که در گذشته به دگه یا محل کسب صرافان در ایتالیایی قدیم اطلاق می‌شده که اصطلاحاً «بانکو» نام داشته است. بانک تجاری یک مؤسسه اقتصادی نسبتاً ساده‌ای است که برای مشتریان یعنی صاحبان سپرده‌ها و وام‌گیرندگان در مقابل دریافت وجوه خدماتی انجام می‌دهد و کوشش دارد برای صاحبان سهام منفعت تحصیل کند.

از نظر سنتی، بانک بعنوان مؤسسه واسطه بین سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان تلقی می‌شود. بانک‌ها به این مناسبت که بر جریان پول در گردش و شبه پول نظارت می‌کنند و با جمع‌آوری سپرده‌ها، پرداخت اعتبارات بانکی را از این طریق امکان‌پذیر می‌سازند، از عوامل مهم رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شوند.

بانک‌ها مانند هر مؤسسه تولیدی، بنگاه‌های تولید کننده محصولات هستند. مهمترین محصولات آنها پس‌انداز و وام است. این مؤسسات اداره کننده بدهی‌ها و وام‌دهنده پول هستند و از این طریق، دارایی بانکی ایجاد می‌کنند. وظیفه واسطه‌ای بانک‌ها سبب می‌شود که خدمات پرداخت وام را برای مشتریان فراهم آورند. در واقع وظیفه اصلی این مؤسسات ارائه خدمات مالی به مشتریان است.

بانک‌ها تجاری که بیشتر به اعطای وام و تسهیلات تجاری کوتاه مدت می‌پردازند، هسته اصلی بخش مالی را تشکیل می‌دهند و از این جهت دارای نقش و تأثیر بسیار بر اقتصاد هستند.

بانک‌ها در واقع به جذب سپرده‌ها می‌پردازند و در دامنه وسیع‌تری از دارایی‌های مالی سرمایه‌گذاری می‌کنند. وجود سپرده‌های بخش خصوصی نزد بانک‌ها انعکاسی از بوجود آمدن پس‌انداز پولی می‌باشد و علی‌رغم اینکه سپرده‌های مردم در بانک‌ها می‌تواند صرفاً به دلیل تغییر تمایل آنها از نگهداری پول بصورت اسکناس و مسکوک به سوی سپرده‌های بانکی افزایش یابد اما افزایش و رشد سپرده‌ها بویژه در شرایط ثبات نسبی قطعاً بیانگر بوجود آمدن پس‌انداز مناسبی می‌باشد که تنها در این صورت می‌باشد که رشد سپرده‌ها بیانگر افزایش توان تشکیل سرمایه می‌باشد. رشد

سپرده‌های پس انداز و مدت‌دار معنی‌دارتر می‌باشند تا رشد سپرده‌های دیواری چرا که از محل سپرده‌های مدت‌دار است که می‌توان وام‌های بلند مدت را اعطا کرد.

بانک‌ها را می‌توان برحسب وظایف و فعالیتشان به گروه‌های مختلفی از جمله،

بانک‌های تخصصی، سوداگر، چند منظوره و تجاری طبقه‌بندی کرد. بانک‌های سوداگر

در انگلستان و بانک‌های سرمایه‌گذاری در آمریکا، پایه پس‌اندازی نسبتاً کمی دارند؛

ولی دسترسی گسترده‌تری به منابع سرمایه‌ای، سهام و بازار وام‌سندیكایی دارند.

بانکداری تجاری، واژه‌ای منتسب به بانک‌های آمریکایی است و شامل فعالیت‌های

بانکی عمده‌فروشی و خرده‌فروشی می‌شود بانک‌های جامع یا چند منظوره واژه

متداول و منتسب به بانک‌های آلمانی است که شامل ترکیبی از بانک‌های

سرمایه‌گذاری، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی می‌شود و محصولات مالی غیربانکی،

مانند بیمه را نیز ارائه می‌کنند. بانک تجاری موسسه مالی سپرده‌پذیری است که

عمدتاً اعطاکننده وام‌های کوتاه مدت تجاری و عرضه‌کننده حساب جاری است. به

عبارت دیگر بانکی است که قسمت اعظم دارایی‌های آن وام‌های کوتاه مدت اعطا شده

برای مقاصد تجاری و بخش عمده بدهی‌های حساب‌هی سپرده دیداری است.

ب- بازار سرمایه

تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که ابتدا بازار پول در تجهیز منابع نقش

غالب داشته در این ساختار بانک‌ها سازمان‌هایی فراگیر هستند و بنگاه‌های تولیدی تا

حد بسیار زیادی به نظام بانکی وابسته است. اما با گذشت زمان مشخص شد که بخش

پولی اقتصاد نمی‌تواند بازار سرمایه نهادی است که نیازهای مالی بنگاه‌های اقتصادی را

در بسته‌های زمانی متناوب تامین می‌کند و بنابراین تجهیز منابع مالی موجود و هدایت آنها به منظور سرمایه‌گذاری در فعالیتهای مختلف اقتصادی از وظایف اصلی نهادهای فعال در این بازار است. بدیهی است که توسعه بازار سرمایه کشور زمینه‌های لازم برای مواردی مانند عرضه منابع مالی جهت رشد و توسعه درونزا و پایدار اقتصادی، جلوگیری از فرار سرمایه و همچنین جذب سرمایه‌های خارجی به کشور، افزایش انگیزه S و I در اقتصاد (ملی) انتقال منابع که از بخش غیررسمی اقتصاد و هدایت آنها به مسیر فعالیتهای مولد اقتصادی، گسترش بنیان‌های مالکیت مردمی و جلب مشارکت فعالانه شهروندان در تأمین مالی طرح‌های عمرانی کشور به منظور کاهش فشار مالی ناشی از کسر بودجه دولت.

همانطور که گفته شد بازار سرمایه برحسب نحوه انتشار به بازار اولیه و ثانویه تقسیم می‌شود. فروش دارایی مالی که مستقیماً توسط صادر کننده آن صورت می‌گیرد اصطلاحاً مبادلات بازار اولیه نامیده می‌شود که در واقع هسته اصلی فرایند است. به عبارت دیگر این بخش از بازار سرمایه است که می‌تواند فرایند پس‌انداز به سرمایه‌گذاری را تسهیل کند. از سوی دیگر بازاری که در آن اوراق بهادار موجود مورد مبادله قرار گیرد بازار ثانویه نامیده می‌شود. در بازار ثانویه دارندگان اوراق بهادار می‌توانند در صورت تمایل، دارایی خود را به دیگران بفروشند وجود بازارهای ثانویه می‌تواند روند جریان وجوه را در بازارهای اولیه تضمین کند.

منابع لازم را برای بهبود وضع اقتصادی فراهم آورد. از این رو لازم بود که نیازهای سرمایه‌گذاری از طریق بازار مکمل بازار پول که همانا بازار سرمایه است تأمین

شود. به طور کلی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی کشورها ساخت مالی اقتصاد از ساخت مبتنی بر محوریت پول به ساخت مبتنی بر محوریت سرمایه تبدیل شده است. امروزه در ایجاد یا توسعه فعالیت‌های یک واحد صنعتی، بازرگانی و یا مالی لازم است عوامل و امکانات پراکنده به نحوی جذب شوند تا در جهت تقویت آن واحد مورد استفاده قرار گیرند. یکی از این عوامل سرمایه است که باید به شریان واحدهای فعال تزریق شود تا زمینه لازم برای تداوم و توسعه آنها فراهم آید. بازار سرمایه مهمترین منبع تأمین مالی بلندمدت محسوب می‌شود بنابراین می‌توان گفت که عدم وجود یک بازار سرمایه جامع و فقدان منابع مالی یکی از مهمترین مشکلات در راه رشد و توسعه اقتصادی است.

بازار سرمایه به نظام و مکان مشخصی اطلاق می‌شود که در آن نیازهای میان و بلند مدت مالی ارگان‌های دولتی و بنگاه‌های اقتصادی تأمین می‌گردد. در این بازارها نهادهایی مانند بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه، کارگزاران، صندوق بازنشستگی، بورس، خزانه دولت و بورس‌های بین‌المللی فعالیت می‌کنند.

ابزارهای تأمین مالی بلندمدت که توسط این نهادها در بازار سرمایه بکار برده می‌شود عبارتند از: سهام، سهام ممتاز، اوراق قرضه و اوراق تبدیل‌پذیر. در کشورهای توسعه یافته بازار سرمایه محور اصلی تأمین مالی است و بازار سرمایه این کشورها همپای رشد و توسعه اقتصادی آنها تکامل می‌یابد که به نوبه خود بر روند رشد بلندمدت آنها اثرات مثبتی داشته است. این کشورها در ساخت مالی متکی به اوراق بهادار بخش عمده‌ای از نیازهای مالی شرکت‌ها در بازار سرمایه تأمین می‌شود و

وام‌های کوتاه مدت و نیز خدمات بانکداری تجاری را بانک‌های سپرده‌پذیر ارائه می‌کنند.

و همچنین در این کشورها امکان انباشت و اختصاص منابع مالی وجود دارد به این معنی که یک بازار مالی باید قادر به جذب منابع مالی و سرمایه‌های کوچک و بزرگ باشد.

در واقع بازار سرمایه محل تلاقی عرضه و تقاضای منابع مالی میان مدت و بلند مدت است. عرضه کنندگان سرمایه در این بازار را پس‌انداز کنندگان فردی، اشخاص حقوقی دارای پس‌انداز یا مازاد پولی و سازمان‌ها و موسسات اعتباری تشکیل می‌دهند.

این بازار منابع پس‌اندازی موجود را در مسیر نیازهای سرمایه‌گذاری به جریان می‌اندازند و از ضربه‌پذیری واحدهای تولیدی در مقابل کمبود نقدینگی جلوگیری می‌کنند. بی تردید نیروی محرکه توسعه اقتصادی هر کشور سرمایه‌گذاری‌های مولد و مداوم است بنابراین می‌توان با پی‌ریزی نهادهای لازم سرمایه‌گذاری را تداوم بخشید.

بورس اوراق بهادار به عنوان بخشی از بازار سرمایه، با سه قرن مسابقه در جهان، بازار سرمایه رسمی برای خرید و فروش اوراق سهام یا قرضه است. این بازار از امکانات

ویژه‌ای برخوردار است مانند تأمین مالی پروژه‌های بلند مدت و تبدیل فعالیت‌های اقتصادی کوچک به سرمایه‌گذاری‌های عمده و سودآور. و آثاری همچون اشتغال مولد، مهار تورم، کاهش وابستگی‌های اقتصادی و جهش اقتصادی را به دنبال دارد. به همین دلیل انعکاسات مثبت بورس، به عنوان نشانه‌ی تحرکات پول و سرمایه و انعکاسات منفی

آن بیانگر رکود، کساوی و عدم تشکیل سرمایه است. توسعه اقتصادی در جهان متری، نتیجه فعالیت و توسعه بازار سرمایه بوده است.

بورس اوراق بهادار

واژه بورس از نام خانوادگی شخصی به نام «واندر بورس» اخذ شده است که در اوایل قرن پانزدهم در شهر بروژ (BRUGES) در بلژیک می‌زیسته و صرافان شهر در مقابل خانه او گرد می‌آمدند و به داد و ستد پول و اوراق بهادار می‌پرداختند. بورس در اغلب کشورهای پیشرفته جهان جزو ارکان اقتصادی است که برای تحقق اهداف توسعه مورد استفاده قرار می‌گیرد و وجوه و امکانات موجود در جامعه را با نیازهای مالی و سرمایه‌ای کشور مرتبط کرده و جریان وجوه را به سوی اهداف عینی هدایت می‌کند.

بازار بورس اوراق بهادار بخشی از بازار مالی می‌باشد که در آن اوراق قرضه و سهام خرید و فروش می‌شود. نقش بورس اوراق جذب و هدایت پس‌اندازها و نقدینگی سرگردان و پراکنده در جامعه به سوی مسیرهای بهینه است. یا به عبارتی تجمع و هدایت سرمایه‌ها به سوی اهداف عمومی جامعه است. به گونه‌ای که با تخصیص بهینه

منابع مالی کمیاب بخش عمده‌ای از سرمایه‌ها جذب سودآورترین پروژه‌ها و فعالیت‌ها شوند با تجمع سرمایه‌های بسیار جزئی مردم موجب ایجاد مؤسسات بزرگی می‌شوند که آثار اقتصادی وسیعی دارند. با توجه به این امر صاحبان این سرمایه‌ها یا آنقدر توان ندارند تا خود مستقیماً سرمایه‌های خود را بکار اندازند یا معمولاً افرادی ریسک‌گریز هستند که تمایل به فعالیت مستقیم در امور تولیدی و تجاری ندارند بنابراین وجود و

توسعه بازار بورس هم به افراد کمک می‌کند تا سود دارایی مالی با بازدهی که احتمالاً بیش از بهره بانک‌ها باشد بدست آورند هم به شرکت‌ها و مؤسسات کمک می‌کند تا منابع مالی کافی را برای سرمایه‌گذاری خود بدست آورند. در بررسی تصمیم‌گیری افراد برای خرید و فروش اوراق بهادار در واقع این بازار وسیله‌ای است تا افراد در تصمیم‌گیری عقلایی خود بخشی از دارایی‌های مالی خود را به شکل اوراق قرضه و سهام نگهداری کنند و Portfolio آنها وضعیتی بهینه داشته باشد.

بورس اوراق در اکثر کشورهای اروپایی دارای پیشینه‌ای سیصد ساله است به عنوان یک ابزار مالی کارآمد در خدمت علاقه‌مندان به ایجاد صنعت و ارائه‌کنندگان خدمات جدید درآمده به نحوی که طی دهه ۱۹۹۴ - ۱۹۸۴ ارزش سهام در بازارهای دنیا پنج برابر شده و به رقم ۱۸ تریلیون دلار رسیده. سهم ارزش کل سهام مبادله شده در GDP جهان از کمتر از ۰.۳٪ در سال ۱۹۸۵ به ۱۷ درصد در سال ۱۹۹۵ رسیده است.

بانک و بورس دوارگان یاد و واحد مکمل یکدیگر هستند. بانک جایی است که می‌تواند بخشی از نقدینگی جامعه را جذب کند و وظایفی را به عهده دارد که بورس قادر به انجام آن نیست وظایفی مانند پرداخت وام‌های کوتاه مدت و گرفتن سپرده‌های مردم اما بورس بیشتر به عنوان یک تشکیلات سرمایه‌گذاری مطرح است و کسانیکه به این بازار روی می‌آورند و در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند بیشتر به دنبال اهداف دورتری هستند.

بازار بورس اوراق بهادار طی دهه اخیر در سراسر دنیا رشد چشمگیری داشته است سهم کشورهای در حال توسعه در این رشد بسیار بیشتر از کشورهای توسعه یافته بوده است.

در بررسی بازار اوراق بهادار آنچه از نظر سرمایه اهمیت دارد تأمین مالی شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاری از این طریق می‌باشد. با توجه به اینکه منابع مالی یا داخلی است که شامل سود توزیع نشده و ذخیره استهلاک می‌باشد و یا منابع خارجی است که شامل استقراض و فروش اوراق قرضه و همچنین فروش سهام می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد یکی از طرق تأمین مالی بلندمدت شرکت‌ها از طریق افزایش حساب سرمایه به صورت فروش سهام جدید می‌باشد.

ج- بازار تأمین اطمینان

بازار تأمین اطمینان را می‌توان بعبارت دیگر بیمه سرمایه نامید. این نوع بازارها بصورت مستقیم یا غیرمستقیم موجب انتقال و توزیع ریسک سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در هر گونه فعالیت اقتصادی می‌گردد و بدین ترتیب با بالا بودن درجه اطمینان توان ریسک‌پذیری و تصمیم‌گیری مطمئن‌تر سرمایه‌گذار را در بازارهای پول و سرمایه افزایش می‌دهند. در این نوع بازارها در ازای دریافت هزینه‌ای متناسب با نوع فعالیت اقتصادی و سایر پارامترهای مربوط خطرات یا ریسک‌های مترتب بر فعالیت اقتصادی را به نعی توزیع نموده و در نتیجه از طریق ایجاد دارایی‌های مالی جدید و سرمایه‌گذاری آن در بخش‌های اقتصادی متنوع و در اختیار گرفتن این دارایی‌ها در بخش‌های مختلف و توزیع و مشارکت گروه بیشتری از پس‌اندازکنندگان و یا

سرمایه‌گذاران که حاضر به پذیرش ریسک هستند. و در این جهت ایجاد و تأسیس مؤسسات مالی جدید و مورد لزوم جامعه ریسک فعالیت‌های اقتصادی را کم می‌نماید. نمونه‌هایی از مؤسساتی که می‌توان در این بازار نامبرد عبارتند از: شرکت‌های بیمه، مشاوران مالی سرمایه‌گذاری، شرکت‌های سرمایه‌گذاری با بازده ثابت و نسبی مؤسسات تأمین استراتژی‌های تقلیل و توزیع ریسک، مؤسسات خریدار دیون و اسناد دریافتی.

بیمه

نقش بیمه به عنوان پایگاه تأمین اطمینان در کلیه بازارها از جمله بازار مالی آزموده شده است. این نقش در کشورهای در حال توسعه ضعیف و نارساست. بیمه، بانک، بورس به عنوان مثلث توسعه مالی از یک رابطه تعاملی و تکامل بخش در توسعه یکدیگر بهره‌مندند و برای گسترش بازار مالی توسعه همزمان این سه بازار زیرمجموعه ضروری بنظر می‌رسد. بیمه در مدیریت شرکت‌ها، مدیریت موسسات واسطه‌گری، مدیریت بدهی و مسئولیت، مدیریت پورترفوی یا سبد سهام و کاهش آسیب‌پذیری ناشی از نوسان‌های منفی قیمت سهام کارساز و تأمین کننده سطح اطمینان مورد نیاز است. هر اندازه بتوان ابزارهای توسعه اطمینان در بازار مالی را گسترش داد توسعه سهامداران و استفاده بهینه از منابع پولی بهتر فراهم خواهد شد.

شرکت‌های بیمه و جوه بیمه‌گذاران را که به صورت ذخایر منفی در اختیار دارند به عنوان دارایی سودآور به کار می‌گیرند و در فعالیت‌های مناسب اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کنند. آنچه که در شرکت‌های بیمه اهمیت دارد انتخاب پروژه‌های سرمایه‌گذاری است. شرکت‌های بیمه برای تأمین بیشتر جبران خسارت مالی

بیمه‌گذاران قسمتی از وجوه حاصل از فروش خدمات بیمه‌ای خود را سرمایه‌گذاری می‌کنند.

مؤسسات بیمه در برابر دریافت حق بیمه متعهد ایفای تعهدات خود هستند. در ساده‌ترین حالت، از بیمه‌گذاران حق بیمه دریافت و بخشی از آن صرف پاسخگویی به تعهدات می‌شود. در چنین حالتی معادله‌ای وجود دارد که یک طرف آن منابع دریافتی از بیمه‌گذاران و طرف دیگر تعهدات بیمه‌گر و سایر هزینه‌های آن است. بیمه‌گر برای کسب سود باید بر مبالغ دریافتی از بیمه‌گذار بیفزاید اما به طور دائم نمی‌تواند این کار را انجام دهد. زیرا افزایش غیرمتعارف حق بیمه‌ها ممکن است خارج از توان بیمه‌گذار باشد. بنابراین مؤسسه بیمه باید در کنار فعالیت منتهی خود به سرمایه‌گذاری بپردازد. در این حالت توان شرکت بیمه در پرداخت تعهدات به بازده سرمایه‌گذاری حق بیمه، بیمه‌گذاران بستگی دارد.

و از طرف دیگر عاملی می‌شود برای جذب نقدینگی و افزایش سرمایه‌گذاری و رشد و توسعه اقتصادی. خدماتی که بیمه عرضه می‌کند یک محصول همگن نیست انواع مختلف بیمه وجود دارد که جایگزین یکدیگر نمی‌شوند. بنابراین به جای یک بازار بیمه قطعاً چند بازار بیمه وجود دارد. کارل بورچ (۱۹۸۱) بیمه را به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱- بیمه زندگی یعنی بیمه عمر عادی و مستمری. ۲- بیمه کسب و کار یعنی بیمه‌ای که تجار و بازرگانان خریداری می‌کنند و انواع ریسک را پوشش می‌دهد. ۳- بیمه خانوار یعنی بیمه‌ای که مصرف‌کنندگان عادی می‌خرند. می‌توان بیمه گروهی را هم به این تقسیم‌بندی اضافه کرد.

لذا گسترش انواع مختلف بیمه از جمله بیمه عمر می تواند مبالغ قابل توجهی منابع تجهیز شده فراهم آورد تا بصورت عرضه سرمایه بکار رود و اصولاً برای جذب نقدینگی بخش خصوصی، توسعه و تشویق بیمه‌های زندگی اهمیت ویژه‌ای داشته است. در کشورهای پیشرفته چنانکه اطلاعات و آمار نشان می‌دهد سهم بیمه‌های زندگی در رشد اقتصادی و پس‌انداز ملی بالا است و اهمیت خاصی دارد. بیمه زندگی در واقع نوعی پس‌انداز برای افراد محسوب می‌شود که از محل درآمدهای اشخاص بصورت بیمه عمر پس‌انداز می‌شود. مدت این نوع پس‌اندازها بسته به نوع بیمه زندگی متفاوت است و عموماً سهم بزرگی از پس‌اندازهای ملی را به خود اختصاص داده است. علیرغم سابقه طولانی بیمه در ایران هنوز آن اندازه که باید و شاید گسترش نیافته که مبالغ قابل توجهی از این نظر فراهم شود.

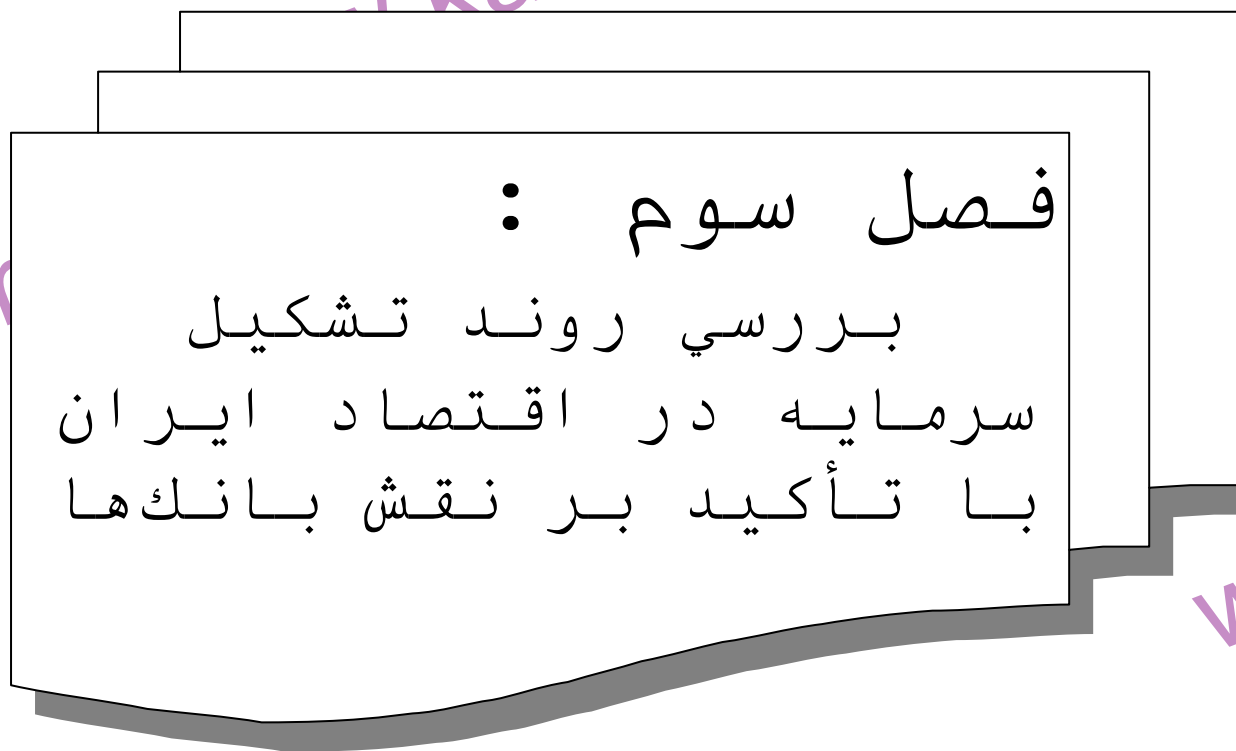
www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com



www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

مقدمه :

بازارهای مالی سازمان یافته و یکپارچه نقش برجسته‌ای در تشکیل سرمایه دارد و فقدان آن به عنوان یکی از مهمترین دلایل عقب ماندگی اقتصادهای توسعه نیافته محسوب می‌شود زیرا عدم تشکیل سرمایه کافی می‌تواند منجر به کاهش بهره‌وری و در نتیجه کاهش سطح درآمدها و رشد اقتصادی که انعکاسی از قدرت تولید کم است خواهد شد. در صورتیکه تشکیل سرمایه کافی از طریق افزایش سرمایه‌گذاری می‌تواند منجر به افزایش اشتغال، کاهش بیکاری و افزایش بهره‌وری دارد. بازار پول در ایران بدنه اصلی نظام مالی را به خود اختصاص داده است. به طوری که حجم منابع مالی که به سوی بازار سرمایه جریان می‌یابد تنها ۳٪ منابع جریان یافته به سوی بانکها است این بازار نقش عمده‌ای در رشد میزان سرمایه‌گذاری دارد. در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران نقش اصلی در بازار پول را بانکها بازی می‌کنند. شناخت فرایند تشکیل سرمایه هم برای اجرای سیاست‌های اقتصادی و هم برای جهت‌گیری استراتژی توسعه اقتصادی ضروری می‌باشد و شناخت این فرایند در ایران و چگونگی انجام آن مستلزم داشتن بینش کلی از این موضوع می‌باشد.

روند تشکیل سرمایه در ایران

تشکیل سرمایه واژه کلیدی در فرایند توسعه اقتصادی هر کشور است مفهوم «تشکیل سرمایه» آن است که جامعه کلید فعالیت مولد جاری خود را به خدمت نیازمندی‌ها و تمایلات مصرف فوری نمی‌گذارد بلکه قسمتی از آن را صرف تولید کالاهای سرمایه‌ای می‌کند از قبیل ابزارها و ماشین‌ها و وسایل حمل و نقل و کارگاه‌ها

و تجهیزات و کلیه شکل‌های مختلف سرمایه واقعی که قادر است تأثیر نیروهای مولد جامعه را به میزان زیادی افزایش دهد. در طرح کلاسیک‌ها هر افزایش که در آهنگ تشکیل سرمایه رخ دهد مستلزم کاهش در مصرف است.

سرمایه‌گذاری یا تشکیل سرمایه زمانی امکان‌پذیر است که تخصیص منابع منجر به افزایش ذخایر سرمایه‌ای، چه مادی، چه انسانی شود. تشکیل سرمایه و به کارگیری آن درآمد را افزایش می‌دهد و افزایش درآمد به نوبه خود تشکیل سرمایه را بیشتر تسهیل می‌کند. برای تولید کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و ایجاد خدمات زیربنایی که شرط لازم توسعه محسوب می‌شود نیاز به سرمایه است.

منبع تشکیل سرمایه، پس‌انداز است هر چه میزان پس‌انداز بیشتر شود شرایط برای سرمایه‌گذاری هموارتر خواهد بود. مصرف یک جامعه تابعی از درآمد ملی است با افزایش یا کاهش درآمد ملی مصرف نیز افزایش یا کاهش پیدا می‌کند که این خود تأثیر لازم را بر تشکیل پس‌انداز (که همان پس‌انداز خانوارها، پس‌انداز مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی و پس‌انداز دولتی است) خواهد گذاشت. در صورتی تشکیل پس‌اندازها می‌تواند به تشکیل سرمایه منجر شود که مراحل زیر بطور متوالی و مستمر صورت گیرد. افزایش حجم واقعی پس‌انداز در جامعه، جمع‌آوری و تراکم منابع مالی پس‌انداز شده از سوی مؤسسات پولی و مالی، سرمایه‌گذاری وجوه پس‌انداز شده به منظور تمرکز بیشتر تشکیل سرمایه در کشورهای در حال توسعه بسیار حائز اهمیت است این کشورها برای رهایی از دور تسلسل فقر نیازمند تمرکز بیشتر سرمایه و استفاده مطلوب‌تر و کامل‌تر از منابع بالقوه و بالفعل هستند زیرا زمانی که افراد جامعه

درآمد پایینی دارند پس‌انداز کاهش پیدا می‌کند در نتیجه به دلیل کاهش سرمایه‌گذاری تولید هم کاهش می‌یابد وقتی تولید کم می‌شود درآمد، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تولید پایین می‌آید در نتیجه منجر به تشدید فقر می‌شود و این دو در تسلسل همچنان ادامه می‌یابد مگر اینکه از طریق پس‌انداز و تشکیل سرمایه درآمدها را افزایش دهند بنابراین تقاضا برای کالاها زیاد می‌شود و بازار گسترش می‌یابد. بنابراین می‌تواند موجب خودکفایی در تولید کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای شود. تشکیل سرمایه بعد از جنگ جهانی دوم مطرح گردید و در پدیده به این امر کمک کرد: نخست تجربه برنامه مارشال بود که به پیروی از آن مقادیر انبوه کمک‌های مالی آمریکا، کشورهای ویران شده اروپایی را قادر به بازسازی اقتصادی کرد. پدیده دوم قدرت گرفتن و تجربه اتحاد جماهیر شوروی و رشد سریع با استفاده از انباشت سریع سرمایه بود که این امر بر اهمیت تشکیل سرمایه تاکید می‌کرد.

تشکیل سرمایه در ایران در دوره ۱۳۴۷-۷۹ از روندی بسیار ناپایدار برخوردار شده است. دلیل عمده این بی‌ثباتی نحوه تامین منابع مالی سرمایه‌ای بوده که با استفاده از منابع مالی موقت به صورت شوک‌وار و عدم بهره‌مندی از پتانسیل پس‌اندازهای ملی صورت پذیرفته است. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری‌های دولتی نیز که بیشتر در بخش‌های عمرانی صورت گرفته زمینه فعالیت بیشتر بخش خصوصی را فراهم آورده و سبب بسط تشکیل سرمایه بخش خصوصی شده و وجود اثر جانشینی جبری در اقتصاد ایران را با تردید مواجه کرده است.

بسط سرمایه‌گذاری بخش دولتی در طرح‌های عمرانی نیز سبب آن شده که در کوتاه مدت حجم تقاضای کل نسبت به پس‌انداز کل افزایش بیشتری بیابد و متعاقب آن رشد تورم تشدید شود. تشکیل سرمایه و وجود نرخ‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بالا می‌تواند منجر به نرخ رشد پایدار غیرتورمی شود.

کشور ما طی دهه ۱۳۶۰ به دلیل مشکلات ناشی از جنگ و نااطمینانی حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی، روند نزولی نرخ‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را تجربه کرد. شاهد نوسانات شدید نرخ رشد اقتصادی در گذشته بوده است. به طوری که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت سال ۶۱ در برخی سال‌ها منفی و یا نزدیک به صفر بوده به علاوه مقایسه متوسط نسبت پس‌انداز ناخالص داخلی به GDP طی دهه ۶۰ که در سطح ۱۹ درصد قرار داشت با متوسط نسبت سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی در حد به ترتیب معادل $\frac{7}{17}$ و $\frac{9}{2}$ درصد بیانگر وجود شکافی عمیق میان منابع پس‌انداز و سرمایه‌گذاری است. در واقع، علیرغم پایین بودن نرخ پس‌انداز داخلی در کشور در مقایسه با بسیاری از کشورهای آسیایی، حتی منابع موجود نیز به دلیل وجود جو نااطمینانی و بی‌ثباتی اقتصادی به تشکیل سرمایه تبدیل نمی‌شد که بالطبع رشد اقتصادی را با موانع اساسی مواجه ساخته بود. به طوری که متوسط نرخ رشد GDP به قیمت‌های ثابت ۶۱ طی دهه ۶۰ بالغ بر سالانه $\frac{1}{7}$ درصد گردید که در مقایسه با ظرفیت بالقوه رشد اقتصادی کشور در حدود ۸ درصد در سطح بسیار نازلی قرار داشت.

در عین حال افزایش نسبت پس انداز ناخالص داخلی به GDP از متوسط سالانه ۱۹ درصد طی دهه ۱۳۶۰ به متوسط سالانه ۲۸ درصد طی سال های ۷۵-۷۰ منجر به افزایش نرخ رشد اقتصادی از متوسط ۱/۷ درصد به ۵/۴ درصد طی دوره مذکور گردید که بیانگر اثرات مثبت پس انداز بر رشد اقتصادی است. در واقع علیرغم افزایش نرخ پس انداز داخلی طی سال های اخیر، به دلیل وجود شکاف میان منابع پس انداز و سرمایه گذاری، نرخ رشد اقتصادی همچنان در سطوح پایین تری از ظرفیت بالقوه آن قرار داشت.

بطوری که طی سال های ۷۵-۷۰ متوسط نسبت پس انداز ناخالص داخلی به GDP (معادل ۲۸ درصد) با متوسط نسبت سرمایه گذاری به GDP (معادل ۱۶/۷٪) تفاوت چشمگیری داشت. عدم انتقال منابع پس انداز به جریان سرمایه گذاری در کشور نشأت گرفته از عدم امنیت کافی برای سرمایه گذاری است که منجر به کاهش نرخ رشد اقتصادی گردیده است.

در عین حال، بررسی تفکیک سرمایه گذاری بخش خصوصی و دولتی در ایران نشانگر پایین بودن نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش دولتی نسبت به بخش خصوصی است. به طوری که نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش دولتی و خصوصی به GDP طی سال های ۷۵-۷۰ بطور متوسط به ترتیب معادل ۷ و ۱۰ درصد بوده است. بالا بودن هزینه های دولتی طی سال های گذشته نه تنها از میزان پس انداز بخش دولتی پایین است، بلکه منجر به بروز کسری بودجه های ضمنی گردیده که با تورم های نسبتاً بالا همراه بوده است. در واقع کاهش میزان مخارج دولتی

به منظور افزایش حجم پس انداز دولتی از جمله عواملی است که می تواند منابع بیشتری را به امر سرمایه گذاری اختصاص دهد. کشور ما به دلیل نرخ های پس انداز پایین در مقایسه با کشورهای جنوب شرقی آسیا، شاهد نرخ های رشد پایین تری بوده است.

کشورهای جنوب شرقی آسیا از معدود کشورهایی بودند که نرخ رشد اقتصادی در حد ۱۰ درصد را طی دهه گذشته تجربه کردند. در حالیکه متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۶۱ در کشور ما معادل ۴/۱ درصد بوده است. اگر چه این کشورها در سال گذشته با بحران عمده ای مواجه شدند اما باید خاطرنشان ساخت که این بحران نه بخاطر وجود جریان سرمایه های خارجی بلکه نشأت گرفته از مدیریت ناصحیح منابع ساختارهای نامطلوب مالی، عدم انعطاف پذیری ناپذیری نظام ارزی برای مقابله با کسری تراز پرداخت ها، شرایط نامطلوب خارجی است. لذا کشور ما که همواره علاوه بر وجود شکاف پس انداز و سرمایه گذاری با کمبود منابع خارجی مواجه بوده. باید از تجربه این کشورها درس گرفته و راه را برای رسیدن به رشد پایدار غیرتورمی هموار نماید.

راگنار نورکس چنین بیان می کند: «در حقیقت در مناطق فقیر جهان یک ارتباط دوری در هر دو طرف مسئله تشکیل سرمایه وجود دارد در طرف عرضه در نتیجه کاهش سطح درآمد واقعی ظرفیت پس انداز پایین، سطح پایین درآمد واقعی انعکاسی از قدرت تولید کم است که آنها به نوبه خود به میزان زیادی ناشی از فقدان سرمایه است و فقدان سرمایه هم ناشی از کاهش پس انداز است.»

بررسی نقش و جایگاه سیستم بانکی در تشکیل سرمایه کشور
نظام بانکی به طور کلی از طریق ایجاد سازوکار خلق پول، تجهیز پس اندازها و
تدارک نقدینگی، تدارک ابزار پرداخت و ... و در کنار اینها با کمک به ایجاد تعادل
بین سرمایه گذاری و پس انداز و ایجاد تعادل در بخش خارجی، بر عملکرد کل اقتصاد
تأثیر می گذارد. در واقع بانکها پولهای سرگردان و سرمایه های غیرقابل بکارگیری و
جزئی افراد و مؤسسات و ... را در قالب سپرده های بانکی متمرکز و به یکی از عوامل
اساسی تولید تبدیل می نمایند. از ملموس ترین کارکردهای نظام بانکی کشور تجهیز
منابع سرمایه یا تجهیز سپرده ها و تدارک نقدینگی برای سرمایه گذاری در حوزه های
مختلف اقتصاد و تخصیص بهینه منابع سرمایه می باشد.

اولین بانک ایرانی در سال ۱۲۶۶ به نام بانک جدید شرق توسط خارجیان
تأسیس شد. بیشترین تعداد بانکها در فاصله ۴۱-۱۳۲۸ تأسیس شدند. در پیش از
پیروزی انقلاب تعداد بانکهای کشور ۳۵ بانک با مالکیت های دولتی و یا خصوصی
فعالیت می نموده است به طوری که در فاصله سال های ۵۷-۱۳۵۲ جمع دارایی های
بانکها تقریباً ۷ برابر و میزان سپرده های اشخاص نزد بانکها و مبلغ وام های اعطایی
بانکها به اشخاص بیش از پنج برابر افزایش یافت.

پس از پیروزی انقلاب و بعد از ملی شدن کلیه بانکها مجمع عمومی بانکها
سیستم بانکی کشور را مجدداً تجدیدسازماندهی کرد که تعداد بانکها به ۱۰ بانک
کاهش یافت. ۵ بانک تجاری و ۵ بانک تخصصی.

سه بانک صنعت و معدن، کشاورزی و مسکن مجموعه بانکهای تخصصی را تشکیل می دهند. در سال ۱۳۶۲ با تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا که مطابق آن تمامی فعالیتهای بانکها باید در چارچوب قراردادهایی نظیر: مشارکت (اداره مشترک شرکتها)، مضاربه (همکاری در اداره سرمایه)، جعاله، فروش اقساطی انجام پذیرد. بانک اجناس مورد نیاز سرمایه گذاران را می خرید و آن را پس از محاسبه سود به آنها می فروخت با این حساب سودی که بانک به سپرده های خود پرداخت می کرد متکی بر اصل تقسیم سود و زیان بود و تحول قابل توجهی در عرصه فعالیتهای بانکی در ایران پدید آمد. هدف اصلی از تجدید سازمان دهی سیستم بانکی کنترل بهتر بانک مرکزی بر سیاست های پولی انطباق فعالیتهای بانکی با نظام بانکداری اسلامی و هماهنگی در پرداخت وام و اعتبار به بخش های مختلف اقتصادی بوده است.

بانکداری اسلامی سود حاصل از بهره را جایز نمی شمارد. در حال حاضر مؤسسات مالی اسلامی که نمونه پیشرفته آنها از دهه ۱۹۷۰ آغاز به کار کرد در بیش از ۷۵ کشور جهان مشغول فعالیت هستند. در بانکداری اسلامی مبتنی بر قواعد اسلام شیوه مشارکت متقابل را پیشنهاد کردند بدین گونه که هر دو طرف اعتباردهنده و وام گیرنده باید در سود و زیان حاصل از سرمایه گذاری ها شریک باشند. بنابراین به تجهیز سپرده ها و اعطای وام به منظور افزایش سود خود اقدام نمی کنند بلکه ملاحظاتی نظیر حقوق مردم و عدالت اجتماعی نیز وزن قابل توجهی دارند که دولت و مالکیت دولتی عهده دار هدایت سیستم بانکی بدان سمت می باشد. از جمله اهداف

سیستم بانکداری اسلامی توسعه اقتصادی و ثبات عدالت اجتماعی است. حال عملکرد سیستم بانکداری در ایران را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

میزان کل سپرده‌های جمع‌آوری شده شبکه بانکی کشور در سال ۱۳۵۶ معادل

۱۱۵۰ میلیارد ریال بوده است که از این میزان ۶۴۵ میلیارد ریال (۵۶ درصد) مربوط

به سپرده‌های جمع‌آوری شده از بخش خصوصی و ۵۰۵ میلیارد ریال (۴۴ درصد)

مربوط به سپرده‌های جمع‌آوری شده از بخش دولتی بوده است. نسبت میزان

سپرده‌های بانکی و سپرده‌های بخش خصوصی به کل پس‌اندازهای کشور در این سال

به عنوان سهم و نقش نظام بانکی در تجهیز منابع سرمایه به ترتیب: معادل ۴۰ درصد

و ۲۲ درصد بوده است. از سال ۱۳۵۶ به بعد تا سال ۱۳۶۴ میزان سپرده‌های تجهیز

شده توسط نظام بانکی با یک رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۶/۶ درصد افزایش یافته

است و به رقم ۲۰۴۶ میلیارد ریال بالغ گردیده است. بررسی ترکیب سپرده‌های تجهیز

شده در طی این دوره نشان می‌دهد که سپرده‌های بخش دولتی با نرخ رشد متوسط

سالانه‌ای معادل ۳/۸ درصد افزایش یافته‌اند که این امر موجب افزایش سهم

سپرده‌های دولتی به ۵۶ درصد و کاهش سهم سپرده‌های بخش خصوصی به ۴۴

درصد در این سال گردیده است. بر همین اساس، در سال ۱۳۶۴ شاخص نسبت کل

سپرده‌های نظام بانکی به پس‌اندازهای ناخالص ملی به عنوان معیاری برای تعیین

سهم نظام بانکی کشور در تجهیز منابع سرمایه‌ای به ترتیب: به ۷۱ درصد و ۳۱ درصد

می‌باشد که با توجه به نرخ رشد شاخص پس‌اندازهای ملی و همچنین کاهش نسبت

به پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی ۱۹/۶ درصد در سال ۱۳۵۶ به رقم ۱۲/۸ درصد

در سال ۱۳۶۴ بیانگر تضعیف جایگاه نظام بانکی کشور در تجهیز منابع سرمایه‌ای می‌باشد.

از سال ۱۳۶۴ تا سال ۱۳۶۸ یعنی سال شروع برنامه اول توسعه اقتصادی -

اجتماعی و فرهنگی کشور این روند همچنان ادامه می‌یابد. در این دوره میزان سپرده‌های بانکی با نرخ رشد متوسط سالانه معادل $11/2$ درصد افزایش یافته؛ بطوری که در سال ۱۳۶۸ میزان این سپرده‌ها به ۳۱۳۰ میلیون ریال افزایش می‌یابد. معهداً، بررسی ترکیب سپرده‌ها نشان می‌دهد که این میزان رشد عمدتاً ناشی از رشد قابل توجه سپرده‌های دولتی است. بطوری که میزان این سپرده‌ها با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل $12/8$ درصد به ۱۸۴۱ میلیارد ریال یعنی ۵۹ درصد از کل سپرده‌های جمع‌آوری شده نظام بانکی بالغ می‌گردد و سپرده‌های تجهیز شده از بخش خصوصی با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۹ درصد به ۱۲۸۱ میلیارد ریال افزایش می‌یابد. مقایسه آمار میزان سپرده با تولید ناخالص ملی کشور نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود این میزان رشد در تجهیز سپرده‌ها، معهداً نسبت منابع تجهیز شده نظام بانکی کشور از تولید ناخالص مالی از یک روند نزولی برخوردار بوده است؛ بطوری که این نسبت به $11/3$ درصد در سال ۱۳۶۸ تقلیل یافته است.

از سال ۱۳۶۸ به بعد همراه با اجرای برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و

فرهنگی در کشور، اقداماتی به طور متقارن در نظام بانکی کشور به اجرا درمی‌آید. براین اساس، افزایش کارایی در دستور کار نظام بانکی کل کشور قرار می‌گیرد و برای نیل به این هدف بر کاهش کنترل‌های اداری، افزایش رقابت، افزایش سود حاصل از

عملیات بانکی و توزیع سرود بیشتر میان سپرده گذاران تأکید می گردد. بطوری که برای مثال نرخ سود اسمی سپرده های کوتاه مدت و بلندمدت به ترتیب از ۶/۵ درصد و ۱۰/۴ درصد در سال ۱۳۶۹ با یک روند افزایشی روبه رو می گردد.

میزان سپرده های جذب شده نظام بانکی کشور طی دوره (۱۳۷۶-۷۸) با نرخ رشد متوسط سالانه ای معادل ۲۵ درصد افزایش یافته است و به رقم ۳۶۶۹۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۸ بالغ گردیده است. بررسی ترکیب سپرده های تجهیز شده نشان می دهد که سپرده های جذب شده از بخش دولتی با نرخ رشد متوسط سالانه ای معادل ۲۷ درصد و سپرده های جذب شده از بخش خصوصی با نرخ رشد متوسط سالانه ای معادل ۲۸/۹ درصد افزایش یافته و به ترتیب به ۲۰۴۰۳ میلیارد ریال و ۱۶۲۹۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۸ بالغ گردیده است. معهذاً، با توجه به نرخ رشد متوسط ۴۵/۵ درصدی پس اندازهای ملی در این سهم، جایگاه نظام بانکی کشور در تجهیز منابع سرمایه ای تضعیف گردیده است. بطوری که، سهم سپرده های بانکی از کل پس اندازها و تولید ناخالص ملی کشور به ترتیب : ۲۲/۶ درصد و ۸/۷ درصد در سال ۱۳۷۲ تقلیل یافته است. در پایان سال ۱۳۷۹ یعنی سال اول برنامه سوم توسعه

اقتصادی - اجتماعی کشور میزان سپرده های جذب شده شبکه بانکی معادل ۴۸۰۵۷ میلیارد ریال بوده است که رشدی معادل ۳۰ درصد نسبت به سال ۱۳۷۸ را نشان می دهد که از این میزان رشد ۱۶/۲ درصد مربوط به رشد سپرده های بخش دولتی و ۱۳/۸ درصد مربوط به رشد سپرده های بخش خصوصی بوده است. علیرغم این رشد قابل توجه، میزان جذب سپرده های بانکی سهم سپرده ها از تولید ناخالص ملی کشور

در سال ۱۳۷۹ هیچ تغییر محسوسی را ننموده است. شاخص دیگری که برای عملکرد نظام بانکی در جذب سپرده‌ها و تجهیز منابع می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ مقایسه نرخ رشد سپرده‌ها و نرخ رشد حجم پول در کشور می‌باشد. بررسی آمار مربوط به نرخ رشد سپرده‌ها در مقایسه با نرخ رشد حجم پول و نقدینگی طی دو دهه گذشته نشان می‌دهد که به طور متوسط نرخ رشد سپرده‌ها کمتر از نرخ رشد حجم پول بوده است. خصوصاً طی سال‌های (۱۳۶۱-۶۸) این وضعیت به صورت حادثری ملاحظه می‌گردد. این امر خود حاکی از ناتوانی نظام بانکی کشور در تجهیز سپرده‌ها در این دوره بوده است. در سال‌های ۱۳۶۸ خصوصاً با شروع اجرای اصلاحات در نظام بانکی کشور این وضعیت تا حدودی تغییر می‌نماید مع‌هذا، به طور متوسط تا سال ۱۳۷۹ هنوز نرخ رشد حجم پول از نرخ رشد سپرده‌ها جذب شده توسط شبکه بانکی کشور بالاتر بوده است. با توجه به نتایج این بررسی آماری باید خاطر نشان ساخت که سیستم بانکی کشور به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام بانکی کشور در تجهیز منابع سرمایه‌ای از عملکرد مناسبی برخوردار نبوده است.

مع‌هذا در سال‌های بعد از انقلاب به دلایل مشخصی یعنی دولتی شدن اقتصاد کشور، اجرای قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران، فقدان یک استراتژی منسجم و مناسب توسعه صنعتی و اجرای نظام بانکداری بدون ربا و محدودیت امکانات حضور در بازارهای سرمایه بین‌المللی از کلیه منابع و امتیازات یاد شده به یکباره معدوم گردید و این مسئله که خود آثار بسیار نامطلوبی در عملکرد و نقش آنها در توسعه اقتصادی کشور به جای گذاشت. ادامه وضعیت فعلی در امکان پرداختن به اهداف توسعه‌ای این

بانک‌ها را در برنامه‌های اقتصادی کشور فراهم نخواهد نمود و نهایتاً باعث ایجاد یک نقش انضباطی برای این بانک‌ها در نظام بانکی کشور خواهد شد.

جدول ۳-۱- مقایسه وضعیت نرخ رشد سپرده‌های بانکی و نرخ رشد حجم

پول

(ارقام به درصد)

سال	نرخ رشد سپرده	نرخ رشد حجم پول	نسبت سپرده‌ها به حجم پول
۱۳۵۷	۶/۴	۴۴/۷	۱/۴۶
۱۳۵۸	۶/۹	۲۹/۸	۱/۵۷
۱۳۵۹	۱۷/۴	۲۸	۱/۴۱
۱۳۶۰	۱۹/۵	۲۰/۶	۱/۳۷
۱۳۶۱	۱۱/۹	۲۵/۲	۱/۳۴
۱۳۶۲	۱۸/۷	۱۰/۵	۱/۴۳
۱۳۶۳	-۲۹/۹	۱۶/۳	۱/۳۰
۱۳۶۴	-۲۴/۷	۷/۷	۰/۹۸
۱۳۶۵	۷/۷	۱۶/۶	۱/۳۹
۱۳۶۶	۱۱/۳	۱۵/۴	۱/۴۳
۱۳۶۷	۱۷/۲	۱۳/۵	۱/۵۸
۱۳۶۸	۸/۸	۱۴/۷	۱/۶۸
۱۳۶۹	۲۱/۳	۲۴/۶	۱/۶۸
۱۳۷۰	۲۳/۳	۲۱/۸	۱/۷۶
۱۳۷۱	۲۴/۱	۲۰	۱/۸۶
۱۳۷۲	۲۵/۶	۳۶/۹	۱/۸۴
۱۳۷۳	۲۶/۲	۳۵/۸	۱/۷۵
۱۳۷۴	۳۹/۲	۳۴/۶	۱/۸۲
۱۳۷۵	۲۸/۶	۳۷/۴	۱/۸۴
۱۳۷۶	۱۹/۵	۱۲/۵	۱/۸۸

۱/۸۹	۱۸/۱	۴۹/۶	۱۳۷۷
۱/۹۷	۱۶	۲۴/۱	۱۳۷۸
۱/۹۶	۳۱/۹	۳۰/۹	۱۳۷۹
۲/۰۰	۲۴/۹	۲۷/۵	۱۳۸۰
			۱۳۸۱
			۱۳۸۲

جدول ۳-۲- وضعیت مانده سپرده‌های شبکه بانکی کشور (۷۹-۱۳۶۳)

(درصد)

سهم از کل مانده سپرده			میزان مانده سپرده‌ها در پایان سال				سال
دیدار	مدت‌دا	قرض‌الح	کل	دیداری	مدت‌دار	قرض‌الح	
ی	ر	سنه					سنه
۴۲	۴۴/۱	۱۳/۸	۶۵۳۸	۲۷۴۷	۲۸۸۷	۹۰۴	۱۳۶۴
۴۹/۹	۴۰	۱۰/۱	۹۲۸۲	۳۱۱۹	۳۷۱۳	۹۴۱	۱۳۶۵
۴۰/۵	۴۸/۴	۱۱/۱	۹۳۸۷	۳۷۹۴	۴۵۴۷	۱۰۴۶	۱۳۶۶
۳۶/۳	۵۳/۷	۱۰	۱۱۹۰۱	۴۳۱۳	۶۳۹۴	۱۱۹۴	۱۳۶۷
۳۶/۶	۵۴/۷	۸/۷	۱۴۶۳۰	۵۳۴۲	۸۰۰۷	۱۲۸۱	۱۳۶۸
۳۹	۵۳/۳	۷/۷	۱۸۱۶۳	۷۰۷۶	۹۶۹۵	۱۳۹۲	۱۳۶۹
۴۱/۹	۵۴/۱	۴	۲۱۶۷۰	۹۰۶۱	۱۱۷۴۰	۸۶۹	۱۳۷۰
۳۹/۲	۵۲/۱	۸/۷	۲۸۰۹۷	۱۱۰۰۹	۱۴۶۷۴	۲۴۴۱	۱۳۷۱

۴۱/۸	۵۱	۷/۲	۳۷۳۱۷	۱۵۵۸۱	۱۹۰۵۳	۲۶۸۳	۱۳۷۲
۴۴/۶	۴۷/۱	۷/۳	۴۷۷۴۹	۲۱۷۳۱	۲۲۵۱۷	۳۴۹۵	۱۳۷۳
۵۰/۳	۴۴/۸	۴/۹	۹۳۳۲۷	۳۰۲۹۴	۲۸۴۱۷	۴۶۱۶	۱۳۷۴
۵۰/۷	۴۲/۲	۷/۱	۸۴۹۴۲	۴۳۰۵۵	۳۵۸۴۷	۶۰۲۹	۱۳۷۵
۴۶/۷	۴۵/۴	۸/۴	۱۰۳۷۲	۴۷۹۲۳	۴۷۱۰۴	۸۶۹۳	۱۳۷۶
۴۲/۸	۴۷/۷	۹/۵	۱۳۰۸۶	۵۶۰۱۱	۶۲۴۲۹	۱۲۴۲۰	۱۳۷۷
۴۰/۴	۴۹/۵	۱۰/۱	۱۶۰۴۶	۶۴۶۳۲	۷۹۵۳۲	۱۶۲۹۶	۱۳۷۸
۴۰/۷	۱۴/۸	۱۰/۲	۲۱۴۶۴	۸۹۲۶۲	۱۰۳۳۶۴	۲۲۰۱۴	۱۳۷۹
۶۰	۴۹/۵	۱۰/۵	۲۸۴۶۸	۱۱۳۷۶	۱۴۱۰۶۷	۲۹۸۴۸	۱۳۸۰

جدول ۳-۳- نسبت مانده سپرده‌های بانکی از تولید ناخالص داخلی

(ارقام به میلیارد ریال)

نسبت سپرده‌ها به GNP	تولید ناخالص ملی به قیمت جاری GNP	میزان سپرده	سال
۰/۴۱	۱۵۹۴۸	۶۵۳۸	۱۳۶۴
۰/۵۳	۱۷۵۱۲	۹۲۸۲	۱۳۶۵
۰/۴۵	۲۰۶۰۵	۹۳۸۷	۱۳۶۶
۰/۵۱	۲۳۰۴۸	۱۱۹۰۱	۱۳۶۷
۰/۵۳	۲۷۵۶۷	۱۴۶۳۰	۱۳۶۸
۰/۵	۳۵۷۵۵	۱۸۱۶۳	۱۳۶۹
۰/۴۴	۴۸۶۷۲	۲۱۶۷۰	۱۳۷۰
۰/۴۴	۶۴۰۰۱	۲۸۰۹۷	۱۳۷۱
۰/۳۹	۹۳۷۰۹	۳۷۳۱۷	۱۳۷۲
۰/۳۷	۱۲۹۳۵۱	۴۷۷۴۹	۱۳۷۳
۰/۳۵	۱۸۰۸۰۰	۶۳۳۲۷	۱۳۷۴
۰/۳۵	۲۳۹۷۰۹	۸۴۹۴۲	۱۳۷۵
۰/۳۷	۲۸۰۹۰۸	۱۰۳۷۲۱	۱۳۷۶
۰/۴۱	۳۱۶۶۴۶	۱۳۰۸۶۰	۱۳۷۷
۰/۳۸	۴۱۹۵۸۷	۱۶۰۴۶۰	۱۳۷۸
۰/۳۹	۵۴۹۷۳۹	۲۱۴۶۴۰	۱۳۷۹
۰/۴۱	۶۶۳۱۲۵	۲۸۴۶۸۳	۱۳۸۰

جدول ۳-۴- علل عدم بهره‌برداری از فرصت‌های تجهیز منابع سرمایه‌ای در

بانک‌های توسعه‌ای در دوران بعد از انقلاب

تهديدات	علل عدم بهره‌برداری
- نامشخص بودن جایگاه بانک در نظام صنعتی و فقدان حمایت‌های کافی از بانک برای تجهیز منابع	۱- فقدان استراتژی صنعتی
- عدم تفکیک بانکداری توسعه‌ای و تجاری و نامشخص بودن چگونگی تجهیز منابع بانک توسعه‌ای در این نظام - ورود بانک‌های تجاری به عرصه اعطای تسهیلات صنعتی و متعدد شدن و نایکپارچگی نظام مالی بخش صنعت	۲- نظام بانکداری بدون ربا
- ناکارآمدی بازار سرمایه در تجهیز منابع مورد نیاز	۳- محدودیت بازار سرمایه کشور
- عدم امکان استفاده از شرایط مطلوب بازارهای سرمایه در خارج از کشور - محدود ماندن دامنه تجهیز منابع ارزی به امکانات موجود	۴- محدودیت امکانات حضور در بازارهای سرمایه بین‌المللی

<p>- گرفتار شدن به عوارض ناکارآمدی نظام مدیریت دولتی و نظام اداری</p> <p>- ابزاری شدن بانک برای اعمال سیاست‌های دولتمردان</p>	<p>۵- دولتی بدون بانک</p>
---	---------------------------

بررسی نقش و جایگاه بازار بیمه در تشکیل سرمایه ایران

امروزه صنعت بیمه در جهان نقش اساسی و تعیین کننده‌ای را در تحرک و پویایی بازار سرمایه و تأمین وجوه قابل سرمایه‌گذاری در فعالیتهای اقتصادی بویژه از طریق بیمه‌های عمر و پس‌انداز ایفا می‌کند.

بیمه یکی از اجزای بازار مالی است که بخشی از منابع مالی جریان یافته به سوی بازار مالی را به صورت حق بیمه جذب کرده و غالباً تنها بخشی از این حق بیمه برای تعهدات جاری لازم است که به صورت نقد نگهداری می‌شود. بی‌تردید هرچه صنعت بیمه توسعه‌یافته‌تری داشته باشیم مؤسسات بیمه نیز نقش بیشتر و مؤثرتری در بازار سرمایه خواهند داشت. بدیهی است که وجود بازار بیمه و بازار سرمایه توسعه‌یافته نیز از مشخصه‌های بارزی است که اقتصادهای توسعه‌یافته را از اقتصادهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته متمایز می‌کند.

بیمه خصوصاً بیمه عمر می‌تواند زمینه‌ساز پس‌انداز که خود زمینه‌سازی سرمایه‌گذاری است باشد. در واقع این بیمه ماهیت نوعی پس‌انداز بلندمدت را دارد. از این رو توجه به آن و ارائه راهکارهای عملی برای افزایش بیمه‌های عمر ضرورت خاصی می‌یابد. عموماً سهم بیمه عمر در ایجاد و گسترش پس‌انداز در کشورهای مختلف متفاوت است. نسبت بیمه عمر به پس‌انداز در کشور پیشرفته‌ای مانند آمریکا عمدتاً بالای ۲۰ درصد است که این امر نقش بیمه عمر در ایجاد و تجهیز پس‌انداز در این کشور را نمایان می‌کند.

حال در کشور شیلی که یک کشور در حال توسعه است نسبت بیمه عمر به پس انداز بیشتر از ۷ درصد است که در مقایسه با کشورهای در حال توسعه عددی مطلوب است. با افزایش حق بیمه عمر و هدایت پس اندازهای حال از آن به سمت سرمایه گذاری های مولد می توان انتظار داشت که رشد و توسعه اقتصادی کشور تقویت شود و در نتیجه آن رفاه خانوارها افزایش یابد.

در کشورهای در حال توسعه با سطح درآمد پایین و به ویژه در شرایط سخت اقتصادی و تورمی شدید که قدرت پس اندازی و تجهیز منابع سایر ابزارها و نهادهای مالی به شدت کاهش می یابد پس انداز حاصل از فعالیت های بیمه ای به تنها کانال پس انداز مردم تبدیل می شود بنابراین در کشورهای در حال توسعه که یکی از ویژگی های اقتصاد آنها بحران های متعدد اقتصادی و تورم بالاست و همچنین با کمبود منابع پس انداز و سطح پایین درآمد مواجهند باید نقش این نهادهای مالی بیش از کشورهای توسعه یافته مورد توجه قرار گیرد. در کشورهای انگلستان، آمریکا و ژاپن به ترتیب ۶۴ درصد و ۴۹ درصد و ۳۹ درصد پس انداز ملی توسط صنعت بیمه تجهیز و به سوی زمینه های مختلف سرمایه گذاری هدایت می شوند و این نقش در منابع پس اندازی بیشتر از نظام بانکی و بورس اوراق بهادار این کشورهاست.

شرکت های بیمه و جوه بیمه گذاران را که بصورت ذخایر فنی (عبارت است از مبالغی که شرکت های بیمه در اختیار دارند و مربوط به تعهدات آینده شان است) در اختیار دارند به عنوان دارایی سودآور به کار می گیرند و در فعالیت های مناسب اقتصادی سرمایه گذاری می کنند. این شرکت ها بعنوان مؤسسات مالی، جوه متراکم

شده بیمه‌گذاران را در مؤسسات صنعتی یا بازرگانی متعلق به دولت یا بخش خصوصی می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند. آنچه که در شرکت‌های بیمه حایز اهمیت است، انتخاب پروژه‌های سرمایه‌گذاری است چرا که برای تصمیم‌گیری در زمینه سرمایه‌گذاری سه عامل سوددهی، قابلیت تبدیل یا دستیابی به نقدینگی و اطمینان از اصل سرمایه را باید در نظر داشته باشند.

در شرکت‌های بیمه بر خلاف سایر شرکت‌های تولیدی، سرمایه، اندوخته‌ها، ذخایر و سایر منافع وجوه صرف ایجاد و یا خرید تأسیسات، تجهیزات و ... نمی‌شود بلکه سرمایه و اندوخته‌های خود را به صورت‌های مختلف مانند نگهداری سپرده ثابت، خرید اوراق قرضه دولتی، خرید اوراق و سهام شرکت‌ها، پرداخت وام رهنی و وام به کارکنان و یا مشارکت در سایر طرح‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند. سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار به ویژه سهام می‌تواند به سودهای مناسب بلندمدت منجر شود بنابراین شرکت‌های بیمه جهان برای اداره حق بیمه‌های دریافتی باید در بازار سرمایه، سرمایه‌گذاری کنند.

توسعه فعالیت‌های بیمه‌ای به بازار سرمایه کارآمدی نیازمند است و از طرف دیگر رشد بازار سرمایه در گرو نقش فعال وجوه بیمه‌ای است. روند همگرایی دو بازار سرمایه و بیمه در جهان کاملاً ملموس است. بخش بیمه‌ای ایران به بازار سرمایه به شدت نیازمند است چرا که بیمه در ایران مراحل جنینی را می‌گذراند.

زندگی هر انسانی را بدون شک خطراتی تهدید می‌نماید که شاید اکثریت ما نسبت به این خطرات آگاهی و شناختی نداشته باشیم و یا نسبت به آنها بی‌اعتنا باشیم

تاریخ تمدن انسان بخوبی نشان می‌دهد که بشر برای جلوگیری از حوادثی که جان و مال او را تهدید می‌کرده راه‌حل‌های متنوعی را ابداع کرده و تا حد زیادی توانسته بر آنها فایق آید و از بروز حوادث جلوگیری نماید. تا آنکه فکر ایجاد بیمه در جوامع بشری پیدا شد و از این تاریخ به بعد است که بیمه بصورت یکی از جنبه‌های اساسی و حیاتی زندگی بشر و بصورت یک رشته پیچیده و فنی از حیات او جلوه‌گر شده است و نوعی همیاری اجتماعی به منظور سرشکن کردن زیان افراد یا فرد بین همه افراد گروه یا جامعه است. تاریخ بیمه در حقیقت با تاریخ تجارت و کشتی‌رانی شروع می‌شود. می‌توان گفت که قدیمی‌ترین نوع بیمه در بیمه دریانوردان فنیقی مرسوم بوده است. در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی که بیمه باربری، آتش‌سوزی و عمر در اروپا و آمریکا و حتی هندوستان توسعه پیدا می‌کند در ایران اثری از بیمه‌گری مشاهده نمی‌شود. بیمه برای اولین بار در سال ۱۲۶۹ ه. ش در ایران مطرح شد. براساس منابع موجود در این سال، مذاکراتی بین دولت وقت ایران و سفارت روس به عمل آمد و متعاقب آن امتیاز فعالیت انحصاری در زمینه بیمه حمل و نقل برای مدت ۷۵ سال به یک فرد تبعه روس به نام «لازار پولیاکف» واگذار شد. نامبرده ظرف مهلت سه سالی که جهت آغاز فعالیت بیمه‌ای برای وی در نظر گرفته شده بود، قادر به تأسیس شرکت بیمه و فعالیت بیمه‌ای نگشت و به همین لحاظ امتیاز وی لغو شد. در سال ۱۲۸۹ دو شرکت بیمه روس به نام‌های «نادژدا» و «کافکازموکویی» اقدام به تأسیس نمایندگی بیمه جهت بازدید و پرداخت خسارت در ایران نمودند. در سال ۱۳۰۰ ه. ش کمپانی بیمه انگلیس «الیانس آسورانس لیمیتد» در ایران شروع به کار می‌کند. این مؤسسه در

سال ۱۳۰۰ بابت بیمه آتش سوزی مجلس شورای ملی ۵۰ درصد خسارت را که بالغ بر ۲۴ هزار تومان بود پرداخت کرد. در سال ۱۳۰۸ نمایندگی بیمه انگلیسی « هارلد لیمیتد» و در سال ۱۳۰۹ « وستون آستوالین » و ... در ایران تأسیس شد. آغاز فعالیت جدی در زمینه بیمه ایران را می توان سال ۱۳۱۰ هـ. ش دانست. زیرا در این سال قانون و نظامنامه راجع به ثبت شرکتها در ایران به تصویب رسید و متعاقب آن بسیاری از شرکتهای بیمه خارجی اقدام به تأسیس شعبه یا نمایندگی در ایران نمودند.

جدول ۳-۵- مقایسه پس انداز و حق بیمه بین ۲۳ کشور جهان در سال ۱۹۹۶

ردیف	کشور	شاخص	پس انداز به GDP	حق بیمه به GDP	نسبت حق بیمه به پس انداز	
					نسبت	رتبه
کشورهای در حال توسعه						
۱	مالزی	۳۳/۷	۴/۲۸	۰/۱۳	۱۵	
۲	اندونزی	۳۱/۳	۱/۴۰	۰/۰۵	۲۱	
۳	هند	۲۱/۳	۲/۰۱	۰/۹۰	۱۶	
۴	مکزیک	۲۰/۲	۱/۴۸	۰/۰۷	۱۹	
۵	کنیا	۲۰/۰	۳/۳۳	۰/۱۷	۱۴	
۶	ترکیه	۱۹/۷	۰/۸۴	۰/۰۴	۲۲	
۷	ایران	۱۶/۰	۰/۴۸	۰/۰۳	۲۳	
۸	مصر	۱۲/۶	۰/۸۰	۰/۰۶	۲۰	
۹	پاکستان	۹/۳	۰/۸۱	۰/۰۹	۱۸	
۱۰	موریتانی	۵/۸	۲/۳۹	۰/۴۱	۳	
کشورهای توسعه یافته						
۱۱	ژاپن	۳۲/۴	۱۲/۷۸	۰/۳۹	۴	
۱۲	نروژ	۲۵/۳	۴/۶۵	۰/۱۸	۱۲	
۱۳	پرتغال	۲۵/۰	۵/۰۴	۰/۲۰	۱۱	
۱۴	آلمان	۲۲/۳	۶/۴۲	۰/۲۹	۷	
۱۵	ایتالیا	۲۱/۸	۳/۸۳	۰/۱۸	۱۳	
۱۶	اسپانیا	۲۱/۱	۴/۸۲	۰/۲۳	۱۰	
۱۷	اتریش	۱۹/۵	۵/۴۹	۰/۲۸	۸	
۱۸	کانادا	۱۹/۰	۶/۵۷	۰/۳۵	۵	
۱۹	یونان	۱۸/۶	۱/۶۵	۰/۰۹	۱۷	
۲۰	آمریکا	۱۷/۷	۸/۶۰	۰/۴۹	۲	

۹	۰/۲۸	۴/۷۷	۱۶/۸	سوئد	۲۱
۶	۰/۳۳	۵/۲۵	۶۱/۱	دانمارک	۲۲
۱	۰/۶۴	۱۰/۳۳	۱۶/۲	انگلستان	۲۳

جدول ۳-۶- وضعیت عملکرد صنعت بیمه کشور در تجهیز منابع سرمایه‌ای

(ارقام به میلیارد دلار)

سال	حق بیمه دریافتی	تولید ناخالص ملی	پس‌انداز ملی	نسبت بیمه به پس‌انداز	نسبت بیمه به تولید ناخالص ملی
۱۳۵۶	۲۶/۳	۵۸۴۹	۲۸۷۱	۰/۰۰۹	۰/۰۰۴
۱۳۵۷	۲۷/۱	۵۳۴۵	۲۳۵۳	۰/۰۱۱	۰/۰۰۵
۱۳۵۸	۲/۱۵	۶۳۹۱	۲۵۰۰	۰/۰۰۸	۰/۰۰۳
۱۳۵۹	۲۷/۳	۶۹۳۲	۱۱۶۰	۰/۰۲۳	۰/۰۰۳
۱۳۶۰	۲۷/۳	۸۳۵۶	۱۳۲۵	۰/۰۲	۰/۰۰۳
۱۳۶۱	۴۱/۳	۱۰۷۵۸	۲۸۷۳	۰/۰۱۴	۰/۰۰۳
۱۳۶۲	۴۵/۵	۱۳۷۴۳	۳۲۷۵۰	۰/۰۱۳	۰/۰۰۲
۱۳۶۳	۳۹/۹	۱۵۰۱۸	۳۴۲۷	۰/۰۱۱	۰/۰۰۲
۱۳۶۴	۴۱/۳	۱۵۹۴۸	۲۸۶۳	۰/۰۱۴	۰/۰۰۲
۱۳۶۵	۳۶/۳۹	۱۷۵۱۲	۱۶۵۱	۰/۰۲۲	۰/۰۰۲
۱۳۶۶	۴۲/۹	۲۰۶۰۵	۱۰۱۱	۰/۰۴۲	۰/۰۰۲
۱۳۶۷	۴۵/۸	۲۳۰۴۸	۱۸۴۵	۰/۰۲۴	۰/۰۰۲۵
۱۳۶۸	۶۷/۲	۲۷۵۶۷	۳۵۵۱	۰/۰۱۹	۰/۰۰۲۵
۱۳۶۹	۱۰۷/۱	۳۵۷۵۵	۹۲۳۸	۰/۰۱۱	۰/۰۰۳
۱۳۷۰	۵/۱۵۷	۴۸۶۷۲	۱۴۳۹۳	۰/۰۱	۰/۰۰۳۵
۱۳۷۱	۲۲۶/۲	۶۴۰۰۱	۲۰۸۹۳	۰/۰۱	۰/۰۰۴
۱۳۷۲	۳۷۹/۸	۱۹۳۷۰۹۱	۳۶۴۱۳	۰/۰۱	۰/۰۰۴
۱۳۷۴	۸۸۷/۱	۱۸۰۸۰۰	۶۲۱۷۰	۰/۰۱۴	۰/۰۰۵
۱۳۷۵	۱۲۶۴/۹	۲۳۹۷۰۹	۹۲۴۲۳	۰/۰۱۳	۰/۰۰۵
۱۳۷۶	۱۵۴۲/۲	۲۸۰۹۰۸	۱۰۱۴۱۴	۰/۰۱۵	۰/۰۰۵
۱۳۷۷	۱۸۰۱/۹	۳۰۶۶۴۶	۹۳۰۸۵	۰/۰۱۹	۰/۰۰۵

۰/۰۰۶	۰/۰۱۷	۱۵۱۵۶۰	۴۱۹۵۸۷	۲۵۵۱/۷	۱۳۷۸
۰/۰۰۶۵	۰/۰۱۷	۲۱۱۸۶۲	۵۴۹۷۳۹	۳۵۳۵/۶	۱۳۷۹
۰/۰۰۷	۰/۰۲	۲۳۶۵۹۰	۶۶۳۱۲۵	۴۸۲۶/۷	۱۳۸۰
				۹۰۹۷/۵	۱۳۸۱

جدول ۳-۷- وضعیت عملکرد سرمایه‌گذاری‌های صنعت بیمه کشور

(۸۰-۱۳۷۳)

نسبت سرمایه‌گذاری به حق بیمه	بازده سرمایه‌گذاری‌های صنعت بیمه (درصد)	درآمد حاصل از سرمایه‌گذارها	حجم سرمایه‌گذارها	سال
۳۴/۸۸	۲۴/۳۳	۳۸۳۸۹۲	۱۵۷۷۹۵	۱۳۷۳
۲۷/۰۷	۳۰/۶۷	۶۰۸۹۵	۱۹۸۵۲۵	۱۳۷۴
۲۴/۹۴	۲۴/۴	۶۷۱۶۴	۲۷۵۲۸۹	۱۳۷۵
۲۱/۶۶	۳۰/۶۸	۹۵۰۹۳	۳۰۹۹۷۷	۱۳۷۶
۲۲/۴۸	۲۲/۹۲	۹۲۸۳۴	۴۰۵۰۰۱	۱۳۷۷
۱۸/۸۹	۳۳/۸۵	۱۶۳۲۰۷	۴۸۲۱۰۵	۱۳۷۸
۴۰/۳۳	۱۶/۳۸	۲۳۳۵۱۴	۱۴۲۵۷۹۴	۱۳۷۹
۳۹/۰۵	۱۸/۲۶	۳۴۴۰۶۷	۱۸۸۴۷۰۴	۱۳۸۰

بررسی نقش و جایگاه اوراق بورس بهادار در تجهیز منابع سرمایه‌ای کشور با توجه به اهمیت سازوکار بورس اوراق بهادار به عنوان مهمترین شیوه تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های اقتصاد کلان گسترش حوزه نفوذ بازار سرمایه از جنبه‌های مختلف موضوعی با اهمیت به شمار می‌آید و مشارکت طیف گسترده‌تر مردم را در فعالیت‌های اقتصادی مولد امکان‌پذیر می‌سازد. بورس اوراق بهادار به معنی یک بازار متشکل و رسمی سرمایه است که در آن خرید و فروش سهام شرکت‌ها و یا اوراق قرضه دولتی و یا مؤسسات معتبر خصوصی تحت ضوابط و قوانین خاصی انجام می‌شود. مشخصه مهم بررسی حمایت قانون از صاحبان پس‌اندازها و سرمایه‌های راکد و الزامات قانونی برای متقاضیان سرمایه است. در نهایت با گسترش فرهنگ بازار سرمایه در جامعه و سازمان یافته شدن آن زمینه‌های کاهش درجه و شدت اتکای بنگاه‌های اقتصادی را به استقرار از شبکه بانکی یا تأمین دولتی فراهم می‌آورد. بورس در ایران هنوز نقش و جایگاه واقعی خود را در اقتصاد ملی بازیافته است در واقع مهمترین دلیل ناکامی فراهم نیامدن انگیزه یا امکان مشارکت مردم برای حضور در این بازار بوده است. اهمیت بالقوه بورس اوراق تهران به عنوان مهمترین سازوکار گرد آمدن و هدایت منابع پس‌انداز راکد یا سرگردان به سوی فعالیت‌های مولد اقتصادی و شتاب دادن به فرایند توسعه اقتصاد ملی است. کشورهای توسعه یافته برای دستیابی به رشد اقتصاد پایدار به ایجاد و تجهیز بازار تشکیل سرمایه و تقویت روزافزون وضعیت بازار بورس اوراق بهادار پرداختند. این بازارها با فراهم آوردن انجام مبادله و معامله انواع اوراق بهادار اعم از سهام و اوراق قرضه وجوه مازاد افراد و

بناگاه‌های اقتصادی را جذب و به سمت سرمایه‌گذاری‌های ملی دارای بازدهی هدایت می‌نمایند. بورس اوراق بهادار لازمه توسعه مشوق‌های سرمایه‌گذاری و اهرمی برای جذب و هدایت سرمایه مالی است. بورس ماهیتی دوگانه دارد. بنابه شرایط اقتصادی و مالی کشور و امکانات آن می‌تواند به عنوان اهرمی جهت جلب منابع سرمایه‌گذاری یا به عنوان وسیله سودجویی بورس‌بازان مورد استفاده قرار می‌گیرد. علی‌رغم اینکه بازار بورس در کشورهای صنعتی دارای سابقه بسیار طولانی می‌باشد در ایران بیش از ۲۵ سال از عمر این بازار نمی‌گذرد که در این دوران نیز عملاً فعالیت چندانی نداشته است.

تشکیل اولین بورس اوراق در جهان به سال ۱۴۶۰ میلادی روایت می‌شود. به دنبال تحولات اقتصادی و اجتماعی دهه ۱۳۴۰ و با توجه به ارتباط گسترده سیاسی و اقتصادی ایران آن دوره با نظام اقتصاد سرمایه‌داری غربی، بورس ایران به عنوان یکی از ابزارهای استراتژی وابستگی به غرب متولد شد. دهه ۱۳۴۰ به رغم تبلیغات دولتی آن عصر دهه صنعتی شدن نام گرفته، شرایط فرهنگی و سنتی و قدرت انگیزه‌های سوداگری در افراد در اوان معرفی بورس اوراق بهادار به جامعه به نحوی بود که کمتر سرمایه‌گذاری قبول خطر می‌کرد و تقریباً دو سال طول کشید تا قانون تأسیس بورس مصوب اردیبهشت ۱۳۴۵ به فعالیت درآمد و سپس بورس تهران تأسیس شد.

بررسی وضعیت عملکرد بورس اوراق بهادار تهران

فعالیت بورس تهران از ۶۴/۱۱/۱۵ با انجام چند معامله روی سهام بانک توسعه صنعتی و معدنی و که بزرگترین مجتمع واحدهای تولیدی و اقتصادی آن زمان ایران

بود آغاز شد و به دنبال آن سهام شرکت نفت پارس، اوراق قرضه دولتی، اسناد خزانه، اوراق قرضه سازمان گسترش مالکیت صنعتی و اوراق قرضه عباس آباد به بورس تهران راه یافتند.

در سال ۱۳۴۷ سهام چهار شرکت سیمان شمال، سیمان تهران، قند نیشابور و بانک ایرانیان و نیز اسناد خزانه و قبوض اصلاحات ارضی مربوط به مرحله اول در بورس پذیرفته شد. در سال های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ مجموعاً سهام شش شرکت در بورس پذیرفته شدند. اوراق بهادار پذیرفته شده در سال ۱۳۵۰ عبارت بود: از سهام پنج شرکت و اوراق قرضه یک ساله، دو ساله، سه ساله و همچنین اوراق قرضه نوسازی اراضی عباس آباد.

حجم معاملات در بورس تهران از سال ۱۳۴۶ تا پایان سال ۱۳۵۰، به ترتیب سالیانه به ۱۵/۳، ۱۲۳/۸، ۱۳۳/۴، ۱۲۱/۱، ۳۸۸/۴ میلیون ریال بالغ گردید.

در سال ۱۳۵۱ حجم معاملات سهام و سایر اوراق بهادار به ۱۱۹/۳ میلیون ریال افزایش یافت و طی آن ۳۳۴ میلیون ریال سهام شرکت ها، ۳۶/۱ میلیون ریال دستور پرداخت های اصلاحات ارضی و ۴۶/۵ میلیون ریال اوراق قرضه و ۷۶۴/۷ میلیون ریال اوراق قرضه عباس آباد مورد معامله قرار گرفت. تعداد شرکت های پذیرفته شده در سال ۱۳۵۱ به ۲۳ شرکت بالغ گردید.

معاملات بورس تهران در سال ۱۳۵۲ نسبت به سال ۱۳۵۱ حدود دو برابر و نیم افزایش یافت. از جمع کل معاملات در این سال مبلغ ۱۳۲۲/۷ میلیون ریال مربوط به

معاملات سهام، ۱۰۱۱/۲ میلیون ریال اوراق قرضه عباس آباد، ۴۳۷/۴ میلیون ریال اوراق قرضه و اسناد خزانه و ۲/۴ میلیون ریال دستور پرداخت‌های اصلاحات ارضی بود. در سال ۱۳۵۲ تعداد ۱۵ شرکت تقاضای پذیرش سهام خود را در بورس نمودند که از این تعداد ۱۱ شرکت پذیرفته شد و در نتیجه جمع تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تا سال مزبور به ۳۴ شرکت رسید.

حجم معاملات بورس در سال ۱۳۵۳ نسبت به سال قبل از آن از تحرک و رونق قابل ملاحظه‌ای برخوردار گردید و در این سال به ۱۰۹۶۲/۲ میلیون ریال بالغ شد. در این سال همچنین، مجموع شرکت‌های پذیرفته شده از ۳۴ شرکت به ۴۳ شرکت افزایش یافت. معاملات در سال ۱۳۵۴ در حدود ۶۴ درصد نسبت به سال ۱۳۵۳ افزایش یافت و به ۱۸ میلیارد ریال بالغ گردید که از این میزان، ۱۰/۷ میلیارد ریال مربوط به معاملات سهام و ۷/۳ میلیارد ریال مربوط به معاملات اوراق قرضه بوده است. در سال ۱۳۵۴ تعداد ۲۱ شرکت تقاضای پذیرش سهام خود را در بورس نمودند که از این تعداد سهام ۱۶ شرکت پذیرفته شد و جمع شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران به ۵۹ شرکت افزایش یافت.

در سال ۱۳۵۵ تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس به ۷۶ شرکت و حجم معاملات آن به ۳۸۲۵۶ میلیون ریال بالغ گردید. در مهرماه این سال بورس تهران به عضویت مکاتبه‌ای فدراسیون بورس‌های جهانی (که در توکیو تشکیل شده بود) درآمد و مقدمات همکاری‌های بورس تهران و بورس‌های سایر کشورها را در زمینه تبادل نظر

و استفاده از تجربیات یکدیگر فراهم نمود. اوراق قرضه گسترش مالکیت نیز در اردیبهشت سال ۱۳۵۵ در بورس تهران پذیرفته شد.

با پایان گرفتن سال ۱۳۵۵ علاوه بر افزایش حجم کل معاملات، تعداد سرمایه‌گذارانی که از طریق بورس اقدام به سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار نمودند، روبه افزایش گذاشت. رونق معاملات در سال ۱۳۵۶ کماکان تحت تاثیر اجرای قانون گسترش مالکیت سهام قرار داشت. در این سال، معاملات بورس به اوج خود رسید و کلاً $44173/3$ میلیون ریال اوراق بهادار مشتمل بر $19487/9$ میلیون ریال اوراق قرضه گسترش مالکیت (۱۲٪ کل معاملات) مورد داد و ستد قرار گرفت. در سال ۱۳۵۶ تعداد شرکت‌های پذیرفته شده از ۷۶ شرکت به ۱۰۲ شرکت شامل ۲۴ بانک، ۶۹ شرکت تولیدی، ۴ شرکت بیمه خدماتی و ۵ شرکت توسعه و سرمایه‌گذاری بالغ گردید.

بالاخره در سال ۱۳۵۷ که مقارن با وقوع انقلاب اسلامی بوده است، حجم معاملات در بورس تهران به شدت کاهش یافت و خصوصاً در شش ماهه دوم سال در وضعیت بسیار نامطلوبی قرار گرفت. معاملات انجام شده در سال ۱۳۵۷ کلاً به مبلغ $3405/3$ میلیون ریال بالغ گردید که حدود ۱۰۰۰۰ میلیون ریال آن مربوط به فروش تعداد کثیری از سهام بانک صادرات بوده است. در سال ۱۳۵۷ سهام سه شرکت دیگر در بورس تهران پذیرفته شد و تعداد شرکت‌های پذیرفته شده به ۱۰۵ شرکت بالغ گردید.

معاملات اوراق بهادار در سال ۱۳۵۸ با رکود قابل توجهی روبرو گردید و به خصوص در زمینه معاملات سهام به حداقل خود در تاریخ بورس رسید. پس از ملی شدن بانکها و شرکتهای بیمه، سهام کلیه بانکها و شرکتهای بیمه که در فهرست نرخهای بورس تهران درج شده بود از فهرست مزبور حذف گردید. در همین سال به دنبال تصویب قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران، تعدادی از شرکتهای پذیرفته شده در بورس مشمول قانون مزبور گردید و به دنبال این تحولات معاملات سهام در بورس تهران راکد شد. در این سال معادل ۴۱۰۶/۱ میلیون ریال اوراق بهادار شامل ۳۰/۲ میلیون ریال سهام شرکتهای، ۱۶۲۲/۲ میلیون ریال قرضه دولتی و ۲۴۵۳/۷ میلیون ریال قرضه گسترش مالکیت مورد معامله قرار گرفت. همچنین در این سال انتشار اوراق قرضه گسترش متوقف گردید و با توجه به اینکه قسمت اعظم آن در گذشته توسط بانکها خریداری شده و برای فروش عرضه نمی شد، معامله این اوراق نیز هر روز محدودتر می گردید.

نتیجه گیری

در اقتصاد ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه تشکیل سرمایه مهمترین عامل رشد و توسعه اقتصادی است. می توان گفت یکی از نتایج مهم سرمایه همان سپرده های افراد نزد بانکهاست که به عنوان نماینده پس انداز جامعه محسوب می شود. جهت جذب سپرده ها از او در اقتصاد ایران بایستی عوامل مؤثر بر آن را بررسی نماییم. برای رسیدن به این هدف براساس تحقیقات انجام شده در این رابطه عواملی همچون تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بعد از انقلاب از قبیل: جنگ تحمیلی، تحریم های اقتصادی، سیاست های پولی و بانکی دولت، تحول نظام بانکی کشور به بانکداری بدون ربا و ... بر روی حجم و نحوه سپرده گذاری مردم مؤثر بوده است. علاوه بر آن پاره ای از متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل: تورم، درآمد سرانه نرخ ارز سر همچنین متغیرهای بانکی از قبیل نرخ سود سپرده ها، تعداد شعب و نحوه مدیریت بانک های تجاری از اهمیت خاص برخوردار بوده اند. در خصوص مانده سپرده های بانک سپه نیز این عوامل اثرگذار بوده اند.

در مدل سپرده‌های بانک‌های تجلری مشاهده می‌کنیم که هرگاه درآمد سرانه افراد افزایش یافته بر حجم سپرده‌های بانکی هم افزوده شده است. می‌توان گفت به دلیل اینکه قدرت خرید آنها افزایش پیدا کرده است در نتیجه سهم بیشتری را به پس‌انداز و سپرده‌های خود اختصاص می‌دهند. همانطور که گفته شد افراد به دنبال کسب سود بیشتر هستند بنابراین با افزایش نرخ ارز مردم در سبد داراییشان تغییراتی ایجاد می‌کنند و ارز را جانشین سپرده‌های بانکی خواهند کرد و این شاید به دلیل تصور مردم از سوددهی بالاتر بازار ارز در آینده نشأت گرفته است. از طرف دیگر افزایش نرخ ارز باعث کاهش ارزش پول و افزایش تورم خواهد شد افزایش تورم موجب کاهش پس‌انداز می‌شود بنابراین به طور غیرمستقیم باعث کاهش سپرده‌های بانکی می‌شود.

تورم فزاینده باعث منفی شدن سود واقعی سپرده‌های بانکی شده و در نتیجه انگیزه افراد را برای پس‌انداز کردن کاهش می‌دهد. همچنین افرادی که دارای پس‌اندازهای هنگفتی در سیستم بانکی هستند مجبورند جهت جلوگیری از کاهش ارزش پول خود، سپرده‌های خود را از سیستم بانکی بیرون بکشند و به فعالیتهای دیگر سوق دهند. بازار سرمایه نیز به علت ضعف ساختاری و عدم کارایی توان جذب پس‌اندازهای سرگردان را ندارد. همانطور که می‌بینیم به طور مثال در سال ۷۴ و ۸۱ میزان پس‌انداز ناخالص ملی به قیمت جاری به ترتیب ۱۰۱۸۵۳ و ۱۵۸۳۸۸ میلیارد ریال بوده است که از این حجم پس‌انداز در طی سال‌های مذکور حجم سهام معامله شده در بورس به ترتیب ۱۸۸۰/۶ و ۲۲۷۷۶/۱ می‌باشد که این مسأله نشان می‌دهد

بورس تهران در جذب پس اندازها و هدایت آن به سرمایه گذاری و خرید سهام نقش قابل ملاحظه‌ای را نداشته است.

در نتیجه این پس اندازها به سمت بازارهای غیررسمی یا بورس بازی در امر مسکن، طو، ارز، خودرو .. سوق پیدا می کند. از طرف دیگر زمانی که نرخ بهره بازار غیررسمی افزایش پیدا می کند باعث می شود که سپرده‌های بانکی کاهش یابد و این سپرده‌ها به سمت بازار غیررسمی روانه شود. همانطور که ملاحظه شد افزایش شاخص قیمت‌ها هم باعث کاهش نرخ پس انداز و همچنین کاهش سپرده‌های بانکی خواهد شد.

در مدل‌های سپرده‌های بانک سپه به عنوان بخشی از سپرده‌های سیستم بانکی مشاهده می کنیم که ارتقاء کیفی و کمی عوامل داخل هم نقش مؤثری در افزایش سهم مانده سپرده‌های بانک سپه داشته است.

از طرف دیگر عوامل خارجی و متغیرهای کلان هم بر روی سپرده‌های بانک سپه همان اثراتی را که روی مانده سپرده‌های بانک‌های تجاری گذاشته بر روی این بانک هم داشته است.

پیشنهادات

از آنجا که موتور توسعه اقتصادی هر کشوری سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه است و جهت سرمایه‌گذاری نیاز به پس‌انداز است. لذا به منظور بسیج پس‌اندازها در ایران و یا به نوعی افزایش سپرده‌های بانکی پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد.

۱- متنوع کردن خدمات نهادهای مالی با توجه به تأثیر آن بر حجم پس‌اندازها و به تبع آن سرمایه‌گذاری می‌تواند هم موجبات انباشت سرمایه بالاتر را در اقتصاد ایران فراهم کند و موجب افزایش میزان رشد اقتصادی و دستیابی به رفاه اجتماعی بالاتری در روند توسعه اقتصادی شود.

۲- افزایش کارایی نظام بانکی از طریق ارتقای قابلیت‌های نیروی انسانی شامل آموزش مدیران و کارشناسان ایجاد انگیزه، خلاقیت و مشارکت از طریق شایسته‌سالاری و تعیین حدود مسئولیت‌ها از یک طرف و به کارگیری نیروی انسانی مجرب و آموزش دیده از سوی دیگر است. استفاده از شاخص‌های استاندارد بین‌المللی نظیر رضایت‌مندی مشتریان، سرعت در انجام خدمات، سهولت در دسترسی به خدمات و سایر شاخص‌ها گام مهمی در ارتقای خدمات بانکی و افزایش کارآمدی نظام بانکی محسوب می‌شود و عملی کردن چنین مواردی رهیافتی مهم در ارتقای نظام بانکی، افزایش سپرده‌های بانکی و به تبع آن بخش مالی اقتصاد ایران است.

۳- حذف بازار غیررسمی که در حال حاضر معضل بزرگی در شکل‌گیری یک بازار کارآمد مالی در اقتصاد ایران محسوب می‌شود یکی از اقداماتی است که می‌تواند موجب بکارگیری درست سرمایه‌ها شود و از طرف دیگر موجب هدایت سرمایه‌ها به

سمت بازار پول (بانکها) و بازار سرمایه (بورس) شود ضابطه مند کردن فعالیت این قبیل مؤسسات و تحت نظارت قوانین مالی عمل کردن آنها می تواند پی آمدهای نامطلوبی را که از این ناحیه گریبان گیر اقتصاد ایران می شود، حذف کند.

۱- اوترویل، ژان فرانسوا، مبانی نظری و عملی بیمه، ترجمه دکتر عبدالناصر همتی، دکتر علی دهقانی، چاپ دوم، بیمه مرکزی ایران.

۲- استانلی ریچارد، تحلیل شاخص های اقتصادی، ترجمه محمدتقی ضیایی بیگدلی، فیروزه نیوندی.

۳- باصری، بیژن، (۱۳۸۲)، بررسی تأثیر تغییر نرخ سود سپرده ها بر متغیرهای کلان اقتصاد، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصاد.

۴- بررسی سیاست های پولی و اعتباری، تحلیل آثار اقتصادی آن بعد از انقلاب (با تأکید بر نرخ پس انداز)، وزارت دارایی.

۵- بابایی، الف، بررسی عوامل مؤثر بر مانده سپرده های بانک های تجاری با تأکید بر سپرده های بانک ملی ایران، رساله کارشناسی ارشد، تهران مرکزی، دانشگاه اقتصاد و حسابداری.

۶- بلوریان تهرانی، محمد، بورس اوراق بهادار و آثار آن بر اقتصاد و بازرگانی کشور، مطالعات و پژوهش های بازرگانی بانک های اسلامی و نظام مالی جهانی، ترجمه

هدایتی، ۲۰۰۱/۱۰/۱۵.

۷- پاسبان، فاطمه، مطالعه تطبیقی نقش بیماری‌های زندگی در پس‌انداز ملی در کشورهای مختلف و مقایسه آن با ایران فصلنامه بیمه مرکزی، شماره شانزدهم زمستان ۱۳۸۰.

۸- پیکار جو، کامبیز، بررسی حجم و بازده سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه دولتی و پیامدهای خصوصی‌سازی در بازار سرمایه، فصلنامه بیمه مرکزی، شماره شانزدهم زمستان ۱۳۸۰.

۹- پوریان، حیدریان (۷۷)، عوامل مؤثر بر پس‌انداز در ادبیات اقتصادی و برداشتی از موانع پس‌انداز در ایران، هشتمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی. ۱۰- پیروزفر، اکبر، بانک و بانکداران در ایران.

۱۱- تفضلی، فریدون (۷۲)، تاریخ عقاید اقتصادی.

۱۲- دکتر تقوی، مهدی، (۱۳۸۲) نهادهای پولی و مالی بین‌المللی، انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی.

۱۳- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، موسسه عالی پژوهش و برنامه‌ریزی و توسعه.

۱۴- تار، فتح‌الله، حسینی، محمد، نقش موسسات پولی و مالی در رشد اقتصادی.

۱۵- جهانخانی، علی، تنگناهای بورس اوراق بهادار تهران و طرق رفع آنها، مجله حسابدار، سال هفتم، شماره ۳ و ۴، ص ۳۴ و ۳۵، اردیبهشت ۷۰.

۱۶- ختایی، محمود، گسترش بازارهای مالی و رشد اقتصادی، هشتمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی.

۱۷- دفتر بررسی‌های اقتصادی «از بازار سرمایه تا توسعه اقتصادی» مجلس و پژوهش شماره ۲۱ سال چهارم سال ۷۵.

۱۸- دفتر بررسی‌های اقتصادی «تنوع اوراق در بازار سرمایه ایران آری یا نه» مجلس و پژوهش شماره ۲۱ سال چهارم سال ۷۵.

۱۹- رحیمی بروجردی، علیرضا، ضرورت توسعه مالی، هشتمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی.

۲۰- رحمانی، تیمور، (۷۳) تحلیلی از تشکیل سرمایه در اقتصاد ایران و تخمین تابع سرمایه‌گذاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

۲۱- سیاست‌های پولی مناسب جهت تثبیت فعالیت‌های اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی.

۲۲- ستاری‌فر، محمد، درآمدی بر سرمایه و توسعه.

۲۳- سمائی، حسن، بررسی اولیه در عدم حضور مؤثر نظام بانکی در بازارهای مالی، هشتمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی.

۲۴- دکتر عبده تبریزی، حسین، تحلیلی از وضعیت جاری بازار سهام و قواعد جدید نظارت بر نظام قیمت‌ها.

۲۵- دکتر عبده تبریزی، حسین، نقش صنعت بیمه در بازارهای سرمایه جهانی شده.

۲۶- دکتر عبده تبریزی، حسین، مشارکت اقتصادی مردم در تشکیل سرمایه، هشتمین کنفرانس سیاست‌های مالی و ارزی.

۲۷- عباسیان، پرویز، بازار سرمایه در ایران، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

۲۸- عقیلی، پرویز، چهارمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی.

۲۹- عزیزی، فیروزه، جایگاه موسسات بیمه در بازار مالی کشور، فصلنامه بیمه، شماره شانزدهم زمستان ۸۰.

۳۰- قره باغیان، مرتضی (۷۲)، رشد و توسعه اقتصادی، جلد اول.

۳۱- کمیجانی، علی‌اکبر، کارنامه سرمایه‌گذاری در برنامه پنج سال اول، مجله مجلس و پژوهش شماره ۲ سال ۷۵.

۳۲- کاظمی، جمال، محاسبه تشکیل سرمایه در ایران و نقایص آن، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

۳۳- کینز، جان مینارد، تئوری عمومی اشتغال، پول، بهره‌ها ترجمه دکتر منوچهر فرهنگ.

۳۴- کریمی، علی، (۱۳۷۳) تجزیه و تحلیل رفتار کلان تشکیل پس‌انداز ملی در اقتصاد ایران، رساله کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

۳۵- دکتر کدخدایی، حسین، مقررات بازار سرمایه، بیمه مرکزی ایران.

۳۶- دکتر کمیجانی، علی‌اکبر، سیاست‌های پولی مناسب جهت تثبیت فعالیت‌های اقتصادی.

۳۷- کاتوزیان، محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران، جلد دوم.

۳۸- کرمی، افشین.

۳۹- کازرونی، سیدعلیرضا، توسعه مالی و رشد اقتصادی، هشتمین کنفرانس

سیاست‌های پولی و ارزی.

۴۰- گزارش عملکرد بانک سپه طی سال‌های مختلف.

۴۱- دکتر گرجی، ابراهیم. بررسی اثرات سرمایه‌گذاری خصوصی و سرمایه‌گذاری

دولتی بر رشد اقتصادی در ایران.

۴۲- بیژگر، دنی، تابستان ۸۱، تجربه توسعه در شرق آسیا، ترجمه غلامعلی

فرجادی.

۴۳- میرمطهری، سیداحمد، نقش مؤسسات بیمه در بازار سرمایه، فصلنامه بیمه،

شماره شانزدهم، زمستان ۸۱.

۴۴- دکتر مجرد، محمدجعفر، وضعیت اقتصادی جهان پس از بحران مالی آسیا و

دورنمای رشد اقتصادی در ایران.

۴۵- معدلت، کوروش. ارزیابی میزان و جهت اثرگذاری رشد بازارهای مالی بر

رشد اقتصادی براساس یک مدل اقتصادسنجی، سیزدهمین کنفرانس سیاست‌های

پولی و ارزی.

۴۶- دکتر مجتهد، احمد. بیمه و فعالیت‌های اقتصادی، فصلنامه بیمه مرکزی

سال چهارم شماره یک بهار ۶۸.

۴۷- ماجدی، علی، گلریز، حسن. پول و بانک، از نظریه تا سیاست گذاری، تهران، موسسه بانکداری ایران.

۴۸- میرمطهری، سیداحمد، (۱۳۷۹)، اثرگذاری و اثرپذیری بازارهای پول و سرمایه در ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی.

۴۹- مظاهری، طهماسب، هشتمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی.

۵۰- مرسویان، عباس. پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در اقتصاد اسلامی.

۵۱- فرکس، راگنار، مسائل تشکیل سرمایه در کشورهای توسعه نیافته، ترجمه عبدالله زندیه.

۵۲- نشریه بررسی‌های مالی و سرمایه‌گذاری سال سوم، شماره سوم، تابستان ۸۲.

۵۳- نیلی، مسعود (۷۶)، اقتصاد ایران، موسسه عالی پژوهش و برنامه‌ریزی ۱۳۷۶.

۵۴- نوفرستی، محمد (۷۸)، ریشه واحد و همجمعی در اقتصاد سنجی.

۵۵- والی‌نژاد، مرتضی، نقش و وظایف نظام و نهادهای مالی - بانک‌ها در اقتصاد، بانک و اقتصاد شماره ۴۷، ص ۴۱.

۵۶- ویژه‌نامه یازدهمین و دوازدهمین سمینار بانکداری اسلامی سال‌های ۷۴ تا ۸۱.

۵۷- فرهنگ و تعاون، شماره ۱۶، بهمن و اسفند ۷۸.

۵۸- ترازنامه‌های بانک مرکزی.

۵۹- نماگرهای اقتصادی.

۶۰- سازمان بورس اوراق بهادار تهران، سالنامه ۷۰.

61- Levine,R " Stock markets! Economic growth " Finance & Development, (March, 1966). P3.

62- Trends in Developing countries WB 1995.

63- Fredric,s, Misbkin, " The Economic of many, Banking and financial markets, " fifth edition.